

مناجات خمس عشرة

طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ، فَبِمَنْ أَلُوذُ؟! وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ،

مرا از درگاهت برانی به که روی آورم؟ و اگر از آستانت بازگردانی

فَبِمَنْ أَعُوذُ؟! فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلَتِي وَافْتِضَاحِي! وَوَالْهَفَاهُ مِنْ

به که پناه برم؟ در این حال افسوس از شرمندگی و رسوایی ام، و دریغ از

سوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي! أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ

زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم، ای آمرزنده گناهان بزرگ، و ای جبران کننده

الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، أَنْ تَهَبَ لِي مَوْبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ

استخوان شکسته، از تو درخواست می کنم که گناهان تباه کننده ام را بر من ببخشایی، و بر من

فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَلَا تُخَلِّنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ

پوشانی پنهانکاریهای رسواکننده ام را، و مرا در عرصه قیامت از نسیم گذشت و آمرزش

وَعَفْرِكَ، وَلَا تُعْرِني مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ . إِلَهِي،

بی بهره مگذار، و از پوشش زیبای چشم پوشی ات عریان و بی پوشش رها نسازی، خدایا

ظَلِّلْ عَلَيَّ ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ

سایه رحمتت را بر گناهانم ببنداز، و ابر مهربانی ات را به سوی عیبهایم

رَأْفَتِكَ . إِلَهِي، هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْآبِقُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ؟! أَمْ هَلْ

گسیل کن، خدایا آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز می گردد؟ یا کسی به او

يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ؟! إِلَهِي، إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ

از خشم مولایش جز مولایش پناه می دهد؟ خدایا اگر پشیمانی از گناه

تَوْبَةٌ، فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ، وَإِنْ كَانَ الْإِسْتِغْفَارُ مِنْ

توبه است، پس به عزتت سوگند که من از پشیمانانم، و اگر آمرزش طلبی از

الْخَطِيئَةِ حِطَّةٌ، فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ؛ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى

خطاکاری سبب فرو ریختن خطاها از پیرونده است، من از آمرزش خواهانم، حق رضایت با توست تا

تَرْضَى . إِلَهِي، بِقُدْرَتِكَ عَلَى تُوبِ عَلِيٍّ، وَبِحِلْمِكَ عَنِّي اعْفُ

راضی شوی، خدایا با قدرتت بر من توبه ام را بپذیر، و با بردباری ات نسبت به من از من

عَنِّي، وَبِعِلْمِكَ بِإِرْفَاقِي . إِلَهِي، أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ

در گذر، و با آگاهی ات از حال من با من مدارا فرما، خدایا تویی که به روی بندگانت

مناجات خمس عشرة

بَابًا إِلَى عَفْوِكَ ، سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ ، فَقُلْتُ: ﴿تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

دری به سوی بخششت گشودی و آن را توبه نامیدی، و خود فرمودی: «باز گردید به جانب خدا، باز گشتی

نَصُوحًا﴾؛ فَمَا عُذِرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ؟ إِلَهِي،

خالصانه»، پس عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می تواند باشد؟ خدایا

إِنْ كَانَ قُبْحُ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ ، فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ .

اگر نافرمانی و گناه از بندهات زشت بود، پس گذشت از جانب تو زیباست،

إِلَهِي ، مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرِفِكَ

خدایا نخستین کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی، و خود را در معرض

فَجَدْتْ عَلَيْهِ؛ يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ ،

احسانت قرار داده و تو مورد احسانش قرار دادی، ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف کننده زیان، ای بزرگ نیکی،

يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ ، يَا جَمِيلَ السِّرِّ ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ

ای دانای نهان، ای زیبا پرده پوش، به جود و کرمت به

وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ ؛

سوی تو شفاعت می جویم، و توسل می کنم نزد تو به فضل و رحمت

فَاسْتَجِبْ دُعَائِي ، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي ، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي ،

دعایم را اجابت کن، امیدم را به خود ناامید مساز، و توبه ام را بپذیر،

وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمِنَّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربان ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الثَّانِيَّةُ: مُنَاجَاةُ الشَّاكِينَ

مناجات دوم: راز و نیاز شاکیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي ، إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسَّوِّءِ أَمَّارَةً ، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً ،

خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان میدهد به تو شکایت می کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا،

وَبِمَعَاصِيكَ مَوْلَعَةً ، وَلِسَخْطِكَ مُتَعَرِّضَةً ، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ

و از منند به انجام گناهان، و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه

مناجات خمس عشرة

المَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهَوْنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ

هلاکت می کشاند، و هستی ام را نزد تو از پست ترین تباه شدگان قرار می دهد، بیماریهایش بسیار، آرزویش

الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنُّعُ، مَيَّالَةً إِلَى

دراز است، اگر گزندى به او در رسد بى تابى مى کند، و اگر خیرى به او رسد از آنفاش دریغ می ورزد، به

اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ،

بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به تندى به جانب گناه می راند،

وَتُسَوِّفُونِي بِالتَّوْبَةِ. إِلَهِي، أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي،

و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می کند، خدایا از دشمنى که گمراهم می کند

وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَسِ صَدْرِي، وَأَحَاطَتْ

و از شیطانی که به بى راهام می برد به تو شکایت می کنم، شیطانی که سینه ام را از وسوسه انباشته

هُوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُ لِي الْهَوَى، وَيُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا،

و ززمه های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است، شیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می کند، و عشق به دنیا

وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى. إِلَهِي، إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا

را در دیدگانم زیور می بخشد، و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می افکند، خدایا از دل همچون

قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَسِ مُتَقَلِّبًا، وَبِالرَّيْنِ وَالطَّبْعِ مُتَلَبِّسًا، وَعَيْنًا

سنگی که با وسوسه زیرو رو می شود و به آلودگی گناه و سیاهی

عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً، وَإِلَى مَا يَسُرُّهَا طَامِحَةً. إِلَهِي،

نافرمانی آلوده شده به تو شکایت می کنم، خدایا

لَا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا

از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده، و در عوض به مناظری که خوش آیند آن است خیره گشته

إِلَّا بِعِصْمَتِكَ، فَاسْأَلْكَ بِبَلَاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَنَفَازِ مَشِيَّتِكَ،

به تو گلابه می کنم، خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت تو نیست، راه نجاتی از گرفتاریهای دنیا جز

أَنْ لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا، وَلَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضًا،

نگهداری تو برایم نمی باشد، از تو خواستارم به رسایی حکمت، و نفوذ ارادهات که مرا جز جودت در معرض

وَكُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ نَاصِرًا، وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْعُيُوبِ سَاتِرًا،

چیزی قرار ندهی، و هدف فتنه ها نگردانی، و علیه دشمنانم یاور باشی، و پرده پوش رسوائیها و عیوبم گردی،

مناجات خمس عشرة

وَمِنَ الْبَلَاءِ (البَلَايَا) وَاقِيًا ، وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِمًا ؛ بِرَأْفَتِكَ

و از بلا نگهدار، و از گناهان بازدارندهام باشی و از معاصی عاصمًا؛ به مهر

وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و رحمتت ای مهربانترین و مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الثَّلَاثَةُ : مُنَاجَاةُ الْخَائِفِينَ

مناجات سوم: راز و نیاز ترسیدگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي ، أَتَرَكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي؟! أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ

خدایا آیا چنین می‌نمایی که پس از ایمانم به تو عذابم نمایی؟ یا پس از عشقم به تو

تُبْعِدُنِي؟! أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي؟! أَمْ مَعَ

از خود دورم سازی، یا با امید به رحمت و چشم پوشی ات محرومم سازی، یا با

اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسَامِنُنِي؟! حَاشَا لَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ

پناه جویی ام به گذشتت رهایم نمایی، هرگز چنین نیست! از ذات بزرگوارت

تُخَيِّبُنِي. لَيْتَ شِعْرِي أَلِلْشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي أُمِّي ، أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي؟

به دور است که محرومم کنی، ای کاش می‌دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده، یا برای رنج کشیدن

فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ تُرَبِّنِي ، وَلَيْتَنِي عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ

و زحمت پرورانده است، اگر چنین است کاش مرا نزاده و پرورانده بود، و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت

جَعَلْتَنِي ، وَبِقُرْبِكَ وَجَوَارِكَ خَصَصْتَنِي؟ فَتَقَرَّرْ بِذَلِكَ

قرار داده و به قرب و جوارت اختصاص داده‌ای تا به این سبب چشمم

عَيْنِي ، وَتَطْمَئِنُّ لِي نَفْسِي . إِلَهِي ، هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهًا خَرَّتْ

روشن و جانم آرام گیرد؟ خدایا آیا چهره‌هایی که در برابر عظمت

سَاجِدَةً لِعِظَمَتِكَ؟! أَوْ تُخْرُسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى

سجده کنان به خاک افتاده سپاه می‌کنی، یا زبان‌هایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش

مَجْدِكَ وَجَلَالَتِكَ؟! أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِكَ؟!

گویا شده ناگویا می‌نمایی؟ یا بر دل‌هایی که به محبت پیچیده شده مهر می‌زنی،

مناجات خمس عشرة

أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ؟! أَوْ تُغْلُّ

یا گوشهائی را که از شنیدن ذکرت در راه رضایت لذت برده ناشنوا می کنی، یا

أَكْفًا رَفَعَتْهَا الْأَمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءً رَأْفَتِكَ؟! أَوْ تُعَاقِبُ أَبَدَانًا

دستهای را که آرزوهای به امید مهرورزیات به سویت بلند کرده به زنجیر می بندی، یا بدنهایی

عَمِلْتَ بِطَاعَتِكَ ، حَتَّى نَحِلْتَ فِي مُجَاهَدَتِكَ؟! أَوْ تُعَذِّبُ

را که در طاعتت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگیات لاغر شده مجازات می کنی،

أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ؟! إِلَهِي ، لَا تُغْلِقْ عَلَيَّ مُوَحِّدِكَ

یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده به عذاب بوییده به عذاب دچار می نمایی، خدا یا

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ ، وَلَا تَحْجُبْ مُشْتَاqِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ

درهای رحمتت را بر یکتا پرستان مبنده، و شیفتگان را از نگاه به زیبایی

رُؤْيَتِكَ . إِلَهِي ، نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ ، كَيْفَ تُذَلِّهَا

دیدارت محروم مساز، خدا یا جانی را که به توحیدت عزت بخشیدی، چگونه

بِمَهَانَةٍ هَجَرَانِكَ؟! وَضَمِيرٌ اِنْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ ، كَيْفَ تُحْرِقُهُ

به خواری هجرانت ذلیل می کنی، و باطنی که بر دوستیات پیمان بسته، چگونه به سوز

بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ؟! إِلَهِي ، أَجْرِنِي مِنَ أَلِيمِ غَضَبِكَ ، وَعَظِيمِ

آتش می سوزانی؟ خدا یا از دردناکی خشم و بزرگی

سَخَطِكَ ؛ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ ،

ناخشنودیت پناهم ده، ای پر مهر، ای منتگذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبار، ای چیره،

يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ ، نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ ، وَفَضِيحَةِ

ای آمرزنده، ای پرده پوش، به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ رهایی بخش،

الْعَارِ ، إِذَا امْتَاَزَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ ، وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ ،

آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند، و حالتها دگرگون گردد

وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ ، وَقَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ ، وَبَعُدَ الْمُسِيئُونَ ،

و هراسنده ها بهراسند، و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند، و بدکاران از آن دور گردند،

﴿وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ ، وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ .

و به هر کسی برابر آنچه انجام داده جزای براننده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود.

مناجات خمس عشره

الْمُنَاجَاةُ الرَّابِعَةُ: مُنَاجَاةُ الرَّاجِينَ

مناجات چهارم: راز و نیاز مسکد و ران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ عَبْدُ اعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مِنْهُ،

ای آن که هر گاه بنده ای از او بخواهد عطایش کند، و هر گاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند به آرزویش برساند،

وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَبُهُ وَأَدْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَى

و زمانی که به او روی آورد و مقرب و نزدیکش کند، و گاهی که تظاهر به گناه کند

ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ، وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَّاهُ. إِلَهِي، مَنْ الَّذِي

گناهش را پرده پوشی نماید، و آنگاه که بر او توکل نماید او را بس باشد و کفایت کند، خدای من کیست

نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ؟! وَمَنْ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ

که بر آستانت وارد شده و خواهان مهمان پذیری ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی،

مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ؟! أَيْحَسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ

و کیست که مرکب حاجت را با امید به سخاوَت به درگاهت خوابانده باشد

مَصْرُوفًا، وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلًى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا؟!

و تو احسانش ننموده باشی آیا خوشایند است که از درگاهت با محرومیت باز گردم، در حالی که جز تو سروری که به

كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ؟! وَكَيْفَ أُوْمِلُ سِوَاكَ،

احسان متصف باشد شناسم، چگونه به غیر تو امید بندم در حالی که هر خوبی به دست توست، و چگونه جز تو را آرزو کنم

وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ؟! أَاقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ، وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا

در حالی که آفرینش و فرمان خاص تو است، آیا امیدم را از تو ببرم در حالی که از روی احسان آنچه که از

لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ؟! أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَى مِثْلِي وَ أَنَا أَعْتَصِمُ

تو نخواستم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند خودم محتاجم می کنی در حالی که به رشته محکمت

بِحَبْلِكَ؟! يَا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشَقَّ بِنِقْمَتِهِ

چنگ می زنی، ای آن که قصد کنندگان به رحمتش خوشبخت شدند، و آموزش خواهان

الْمُسْتَغْفِرُونَ، كَيْفَ أَنْسَاكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي؟! وَكَيْفَ أَلْهُو

به انتقامش بدبخت نشدند، چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده ای، و چگونه از

مناجات خمس عشرة

عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي؟! إِلَهِي، بِذِيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي،

تو غافل شوم که تو نگهبانم هستی، خدای من دستم را به دامن کرمت آویختم،

وَلَنِيْلٍ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمَلِي، فَأَخْلَصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ،

و برای رسیدن به عطایت سفره آرزویم را گستردم، مرا به خلوص توحیدت خالص کن،

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عَبِيدِكَ؛ يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي،

و از بندگان برگزیده‌ات قرار ده، ای آن که هر گریزانی به او پناه می‌جوید،

وَ كُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ، وَيَا مَنْ

و هر جوینده‌ای به او امید می‌بندد، ای بهترین امیدبخش، ای کریم‌ترین خواننده، ای آن که

لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُخَيَّبُ أَمَلُهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ،

پرسنده‌اش برگردانده نشود، و آرزومندش محروم نگردد، ای آن که در رحمتش به روی خوانندگان باز است،

وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ

و پرده در گاهش برای امیدواران گشوده است، از تو می‌خواهم به بزرگواریت که ببخشی از

عَطَايِكَ، بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي،

عطای خود بر من آنچنان که دیده‌ام به آن روشن شود، و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه‌ای که نهادم آرامش یابد،

وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا، وَتَجْلُو بِهِ عَن

و از یقین آنچنان بر من منت نهی که با آن ناگواریهای دنیا را برابیم آسان نمایی، و با آن از

بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دیدگان دلم پرده‌های نابینایی را برگیری به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الْخَامِسَةُ: مُنَاجَاةُ الرَّاعِبِينَ

مناجات پنجم: رازونیان زودلادگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

إِلَهِي، إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي

خدایا هرچند در آمدن به سویت توشه‌ام اندک است ولی گمانم بر

بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَافَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ،

توکل به تو همواره نیکو است، و هرچند گناهم مرا از عذاب تو به هراس افکنده،

مناجات خمس عشرة

فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقَمَتِكَ ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ

ولی چشم امیدم ایمنی از انتقامت را به من خیر می دهد، و هر چند نافرمانی ام مرا در معرض

عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ ، فَقَدْ آذَنَنِي حُسْنُ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ ، وَإِنْ

عذابت قرار داده ولی حُسن اعتمادم مرا به پاداشت آگاهی می دهد، و هر چند

أَنَامَتَنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ ، فَقَدْ نَبَّهَتَنِي الْمَعْرِفَةُ

بی خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب غفلت انداخته ولی آشنایی

بِكِرَمِكَ وَ الْآيَاتِ ، وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَرَطُ

به کرم و عطاهايت مرا بیدار نموده است، و اگر زیاده روی در گناه و سرکشی،

الْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ ، فَقَدْ آنَسَنِي بُشْرَى الْغُفْرَانِ وَالرِّضْوَانِ ،

میانم من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و خشنودیات با من انس گرفته است.

أَسْأَلُكَ بِسُبُحاتِ وَجْهِكَ ، وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ ، وَابْتِهَلُ إِلَيْكَ

از تو می خواهم به درخششهای جلوهات و به انوار قدست، و هم به سویت زاری می کنم

بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ ، وَلَطَائِفِ إِحْسَانِكَ ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أُوَمِّلُهُ

به عواطف مهر و لطایف احسانت، که تحقق بخشی گمانم را در آنچه از تو آرزو مندم

مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ ، وَجَمِيلِ إِنْعَامِكَ فِي الْقُرْبَى مِنْكَ ،

از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرب به تو و نزدیکی

وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ ، وَالتَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ ، وَهَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ

به بارگاهت و بهره مندی از نگاه به سویت، هم اینک متعرض

لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ وَعَطْفِكَ ، وَمُنْتَجِعٌ غَيْثِ جُودِكَ وَلُطْفِكَ ،

نسیمهای رحمت و توجه تو، و خواهان باران جود و لطف بی پایان تو می باشم،

فَارٌّ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ، رَاجٍ أَحْسَنَ

و از خشمت به سوی خشنودیات گریزان، و از تو به سوی خودت فراری ام، نیکوترین

مَا لَدَيْكَ ، مُعَوِّلٌ عَلَى مَوَاهِبِكَ ، مُفْتَقِرٌ إِلَى رِعَايَتِكَ . إِلَهِي ،

چیزی را که نزد توست امید دارم، بر بخششهای اعتماد می نمایم، به عنایتت نیازمندم، خدایا

مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَهُ ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ

آنچه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان، و آنچه را از کرمت به من دادی

مناجات خمس عشرة

فَلَا تَسْلُبُهُ، وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ، وَمَا عَلِمْتَهُ مِن

از من مگیر، و آنچه را با بردباری ات بر من پوشاندی آشکار مکن، و آنچه را از زشتی

قَبِيحٍ فَعَلِي فَاغْفِرْهُ. إِلَهِي، اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَرْتُ

کردارم کدانستی بیامرز، خدایا! از تو به تو شفاعت می جویم، و از تو به تو پناهنده

بِكَ مِنْكَ، أَتَيْتُكَ طَامِعًا فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِبًا فِي امْتِنَانِكَ،

می شوم، با امید بسیار به احسانت به سوی تو آمدم، به خوبیهایت که بر من منت گذاری

مُسْتَسْقِيًا وَابِلَ طَوْلِكَ، مُسْتَمْطِرًا غَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِبًا

دل بسته ام، به فراوانی کرمت تشنه ام، ابر فضل را باران طلبم،

مَرْضَاتِكَ، قاصِدًا جَنَابِكَ، وَارِدًا شَرِيعَةَ رِفْدِكَ، مُلْتَمِسًا

خشنودی ات را خواهانم، آهنگ آستانت را دارم، به جویبار عطایت وارد آمدم،

سَنِي الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وَافِدًا إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ، مُرِيدًا

برترین خیرات را از پیشگاهت خواهشمندم، به جانب حضرت جمالت روانم، ذات

وَجْهِكَ، طَارِقًا بِابِكَ، مُسْتَكِينًا لِعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ، فَافْعَلْ

را اراده دارم، کوبنده در رحمت هستم، درمانده ام در برابر شکوه و جلالت، با من از

بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا

آمرزش و رحمت آنگونه کن که شایسته آنی و نه آنگونه

أَهْلُهُ، مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمَةِ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که سزاوار عذاب و انتقامم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ السَّادِسَةُ: مُنَاجَاةُ الشَّاكِرِينَ

مناجات ششم: رازونیان شاکران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي، أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابُعُ طَوْلِكَ، وَأَعْجَزَنِي عَنْ

خدایا، پیایی آمدن کرمت، بر پا داشتن سپاست را از یاد من برد، و فراوانی بخششت مرا از

إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ، وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مُحَامِدِكَ

شمارش ستایشت درمانده ساخت، و در پی هم آمدن احسانت مرا از یاد اوصاف نیکت بازداشت،

مناجات خمس عشرة

تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ ، وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ ،

و پشت هم رسیدن نعمت‌های مرا از گسترش خوبی‌هایت در مانده نمود،

وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمَاءِ ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ ،

این است جایگاه آن که به برازندگی نعمت‌های تو و در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف دارد

وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ ، وَأَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ

و به زیان خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمتها گواهی می‌دهد و تویی دلجو، مهربان،

الْبَرُّ الْكَرِيمُ ، الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ

نیکوکار کریم، که خواننده‌اش را محروم نمی‌کند، و آرزومندش

أَمْلِيهِ ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ ، وَبِعَرْصَتِكَ تَقِفُ آمَالُ

راز درگاهش نمی‌راند، به آستانت فرود می‌آید بار امیدواران، و در درگاه رحمت تو می‌ایستد آرزوهای

الْمُسْتَرْفِدِينَ ، فَلَا تُقَابِلُ آمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَالْإِيَّاسِ ، وَلَا تَلْبِسُنَا

عطاخواهان، پس آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز، و جامه ناامیدی و دوری

سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ . إِلَهِي ، تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ آلائِكَ

از رحمت را بر ما می‌پوشان، خدایا در برابر بزرگی نعمت‌هایت سپاسم کوچک

شُكْرِي ، وَتَضَاعَلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَنَشْرِي ،

می‌نماید، و در کنار اکرامت بر من ستایش و گزارشم از آن خود را پست و ناچیز نشان می‌دهد،

جَلَّلْتَنِي نِعْمَتِكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا ، وَضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفُ

نعمت‌هایت از انوار ایمان زینتهایی به من پوشاند، و لطایف نیکی‌ات خیمه‌هایی

بِرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كُلًّا ، وَقَلَّدْتَنِي مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ ، وَطَوَّقْتَنِي

از عزت بالای سرم افراشت، و عطا‌هایت گردن‌بندهای زینده‌ای به گردنم افکند که هرگز باز نشود، و طوق‌هایی

أَطْوَأًا لَا تُفَلُّ ، فَالْأُوْكَ جَمَّةٌ ضَعْفُ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا ،

بر من آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد، عطا‌های انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان ساخته،

وَنِعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا ، فَضْلًا عَنْ

و نعمت‌های فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده، تا چه رسد به بررسی کامل آنها،

اسْتِقْصَائِهَا ؛ فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ

سپاسگزاری‌ات چگونه برای من امکان‌پذیر است در حالی که سپاسم نسبت به تو خود نیازمند

مناجات خمس عشرة

يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ؟ فَكَلِّمَّا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ

سیاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتیم تو را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن

أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ. إِلَهِي، فَكَمَا غَدَّيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا

باز بگویم تو را سپاس، خدایا همانگونه که ما را به لطف و طعام دادی و با احسانت

بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ،

پروردی پس نعمتهای سرشارت را بر ما به انجام رسان، و ناگواریهایی ناخوشایند را از ما دور کن،

وَأَتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ: أَرْفَعَهَا وَاجْلَلَهَا، عَاجِلًا وَآجِلًا؛

و از بهره‌های هر دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن،

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ، وَسُبُوحِ نِعَمَائِكَ، حَمْدًا

تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمتهای سرشارت، سپاسی

يُؤَافِقُ رِضَاكَ، وَيَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَنَدَاكَ؛ يَا عَظِيمُ

که در خور خشنودیات باشد، و خیر وجودت را به جانب ما جلب کند، ای بزرگ،

يَا كَرِيمُ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای کریم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ السَّابِعَةُ: مُنَاجَاةُ الْمُطِيعِينَ لِلَّهِ

مناجات هفتم: راز و نیاز فرمانبرداران خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

اللَّهُمَّ أَهْمَنَا طَاعَتَكَ، وَجَنَّبَنَا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ

خدایا فرمانبری‌ات را به ما الهام فرما، و ما را از نافرمانیت دور کن، و راه رسیدن به آنچه

مَا نَتَمَنَّى مِنْ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ، وَأَحِلِّلْنَا بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ،

از خشنودیات آرزومندیم آسان کن، و ما را در میان بهشت‌هایت جای ده،

وَأَقْشَعِ عَن بَصَائِرِنَا سَحَابَ الْإِرْتِيَابِ، وَاكْشِفْ عَن قُلُوبِنَا

و از برابر دیدگان دلهایمان ابرهای شک و دودلی را بزدای، و از قلوبمان

أَغْشِيَةِ الْمِرْيَةِ وَالْحِجَابِ، وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَن ضَمَائِرِنَا،

پرده‌های تردید و کوردلی را کنار زن، و از نهادمان باطل را زایل کن،

مناجات خمس عشرة

وَأَثَبْتُ الْحَقَّ فِي سَرَائِرُنَا ، فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَالظُّنُونِ لَوَاقِحُ

و حق را در درون ، ما استوار گردان ، زیرا شکها و گمانها بارور کننده

الْفِتَنِ ، وَمُكَدَّرَةٌ لِّصَفْوِ الْمَنَائِحِ وَالْمِنَنِ . اَللّٰهُمَّ اَحْمِلْنَا فِي سَفْنِ

آشوبها، و تیره کننده عطاها و بخششهای زلال و بی الایش اند، خدایا ما را بر کشتیهای

نَجَاتِكَ ، وَمَتِّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ ، وَأَوْرِدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ ،

نجاتت بنشان، و از لذت رازونیزات بهره مند گردان، و به حوضهای دوستیات وارد کن،

وَاَذِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَ قُرْبِكَ ، وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ ، وَ هَمَمْنَا

و شیرینی محبت و مقام قربت را به ما بچشان، کوششمان را در راهت و همتان را

فِي طَاعَتِكَ ، وَ اَخْلِصْ نِيَّتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ ، فَإِنَّا بِكَ وَلَكَ ،

در طاعتت قرار ده، و نیتهایمان را در معامله با خود خالص گران، چرا که ما با تو و از تو پییم

وَلَا وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ . اَللّٰهُمَّ ، اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ

و برای ما وسیله ای جز به سوی تو نیست، خدایا مرا از گزیدگان بندگان خوبت

الْأَخْيَارِ ، وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ الْآبَرَارِ ، السَّابِقِينَ إِلَى

قرار ده، و به شایستگان نیکوکار ملحق کن، هم آنان که به بندگی

الْمَكْرُمَاتِ ، الْمُسَارِعِينَ إِلَى الْخَيْرَاتِ ، الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ

پیشی گرفتند، و به سوی خیرات شتافتند و برای باقیات

الصَّالِحَاتِ ، السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

صالحات تلاش کردند، و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند همانا تو بر هر چیز

قَدِيرٌ ، وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

توانایی، و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانیات ای مهربان ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الثَّامِنَةُ : مُنَاجَاةُ الْمُتَرِيدِينَ

مناجات هشتم رازونیزات و تمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

سُبْحَانَكَ ، مَا أَضْيَقَ الطُّرُقَ عَلَى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ !

منزهی تو، چه تنگ است راهها بر کسی که تو راهنمایش نباشی،

مناجات خمس عشرة

وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ وَسَبِيلَهُ! إِلَهِي، فَاسْلُكْ بِنَا سُبُلَ

و چه آشکار است حق نزد کسی که راه را نشان دادی، خدایا ما را به راههای رسیدن

الْوُصُولِ إِلَيْكَ، وَسَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ، قَرِيبَ

به سرایت بکشان، و ما را از نزدیکترین راههای ورود به بارگاہت ببر، دور را بر

عَلَيْنَا الْبَعِيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ، وَالْحَقْنَاعِبَادِكَ،

ما نزدیک کن، و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان، و ما را به آن پندگانت که با چالاکي

الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ، وَبَابَكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ،

به سويت می شتابند، و همواره در رحمت را می کوبند ملحق نما،

وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ، وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ،

آنان که در هر شب و روز تو را عبادت می کنند، و از هیبتت در هراسند،

الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ، وَبَلَّغْتَهُمُ الرِّغَائِبَ، وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ

بندگانی که آبشخورها برای آنان زلال کردی و به خواسته هایشان با کامیابی رساندی، و آنان را بر جوینده هایشان

الْمَطَالِبَ، وَقَضَيْتَ لَهُمُ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرَبَ، وَمَلَأْتَ لَهُمُ

کامرو نمودی، و از روی فضلت حاجاتشان را بر آوردی، و نهادشان

ضَمَائِرُهُمْ مِنْ حُبِّكَ، وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِّبِكَ؛ فَبِكَ إِلَى

را از محبتت آکنده ساختی، و از زلال چشمهات سیرایشان نمودی، اینان به وسیله تو به

لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُوا، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا؛ فَيَا

لذت مناجات دست یافتند، و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را فراچنگ آوردند، ای کسی

مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَبِالْعَظْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ

که بر روی آورندگان بر خویش روی آورد و با مهرورزی بر ایشان روی آور

مُفْضِلٌ، وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْوْفٌ، وَبِجَذْبِهِمْ إِلَى بَابِهِ

و بخشنده است، و به غفلت ورزان از یادش دلسوز و مهربان است، و برای جلب آنان به درگاهش

وَدَوْدٌ عَطُوفٌ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا،

با محبت و عطوف است، از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از تو دارند،

وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنَزَلًا، وَأَجْزَلَهُمْ مِنْ وَدَّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلَهُمْ

و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته اند و از دوستی ات سهم بر جسته تری به آنان رسیده،

مناجات جنس عشره

فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا ، فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي ، وَانْصَرَفَتْ

و در معرفت بهره بیشتری نصیب آنان گشته است، همانا همتم از همه جا بریده و تنها متوجه تو گشته است،

نُحُوكَ رَغَبْتِي ، فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي ، وَلَكَ لَا لِسْوَكَ

و رغبتم به جانب تو منصرف شده است، پس تنها تو مراد منی نه غیر تو، و شب زنده داری

سَهْرِي وَسُهَادِي ، وَلِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي ، وَوَصْلُكَ مُنَى نَفْسِي ،

و بی خوابی ام تنها برای توست نه برای غیر تو، و دیدارت نور دیدگان من است و وصال آرزوی هستی ام،

وَالَيْكَ شَوْقِي ، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيٌ ، وَإِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي ،

و تنها به سوی تو اشتیاقم، تنها در مسیر عشق توست شیفتگی ام و در هوای توست دلدادگی ام،

وَرِضَاكَ بُغْيَتِي ، وَرُؤْيُتِكَ حَاجَتِي ، وَجِوَارُكَ طَلْبِي ،

و خشنودی ات مقصود من، و دیدارت نیاز من، و جوارت مطلوب من،

وَقُرْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي ، وَفِي مُنَاجَاتِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي ، وَعِنْدَكَ

و قربت نهایت خواسته من است، و خنکای و راحتم اسودگی و راز و نیاز با توست،

دَوَاءُ عِلَّتِي ، وَشِفَاءُ غُلَّتِي ، وَبَرْدُ لَوْعَتِي ، وَكَشْفُ كُرْبَتِي ؛

داروی دردم و درمان بیماری سینه ام، و خنکای آتش قلبم، و برآمدن اندوهم تنها پیش توست،

فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي ، وَمُقِيلَ عَثْرَتِي ، وَغَافِرَ زَلَّتِي ، وَقَابِلَ

پس در هنگام ترس همدم باش، و لغزشم را نادیده گیر، و گناهم را ببامرز،

تَوْبَتِي ، وَجُجِبَ دَعْوَتِي ، وَوَلِيَ عِصْمَتِي ، وَمُغْنِي فَاقَتِي ،

توبه ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن، و سرپرست زمامم و توانگری گاه تهیدستی ام باش،

وَلَا تَقْطَعْ عَنَّا ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ ؛ يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي ،

مرا از خود جدا مکن، و از خویشتن دورم مساز، ای نعمت و بهشت من،

وَيَا دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ؛ [يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ] .

و ای دنیا و آخرت، ای مهربان ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ التَّاسِعَةُ : مُنَاجَاةُ الْمُحِبِّينَ

مناجات نهم، راز و نیاز شیفتگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

مناجات خمس عشرة

إِلَهِي، مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ، فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا؟ وَمَنْ

خدایا کیست آن که شیرینی محبت را چشید پس به جای تو دیگری را برگزید؟ و کیست آن که

ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ، فَابْتَغَى عَنْكَ حَوْلًا؟ إِيْلَهِي، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ

با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟ خدایا، ما را از کسانی قرار ده

اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ لِرُودِكَ وَمَحَبَّتِكَ،

که برای قرب و ولایت برگزیدی، و برای دوستی و محبت خالص نمودی،

وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ، وَرَضَّيْتَهُ بِقَضَائِكَ، وَمَنْحْتَهُ بِالنَّظَرِ

و برای دیدارت مشتاق کردی، و به قضایت راضی ساختی، و نعمت نگاه

إِلَى وَجْهِكَ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ، وَأَعَذْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاكَ،

به جمالت را عطایش کردی، و به خشنودیات مخصوص گرداندی، و از غم هجران

وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ، وَخَصَّصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ،

و دوریات پناه دادی، و در جوارت در جایگاه راستی جای دادی، و به شناخت خود اختصاص دادی،

وَأَهْلَلْتَهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّيْتُمْ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ

و برای بندگیات سزاوار کردی، و به ارادهات دلباخته فرمودی، و برای

لِمُشَاهَدَتِكَ، وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ،

تماشای جمالت برگزیدی، و رویش را برای خود از غیر پاک کردی، و دلش را برای عشقت فارغ نمودی،

وَرَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَهْمَمْتَهُ ذِكْرَكَ، وَأَوَزَعْتَهُ شُكْرَكَ،

و آن را به سوی آنچه نزد توست راغب فرمودی، و یادت را به او الهام کردی، و شکر را نصیبش نمودی،

وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ

و به طاعت مشغول ساختی، و او را از بندگان شایستهات گرداندی، و برای

لِمُنَاجَاتِكَ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ. اَللّٰهُمَّ

راز و نیازت انتخاب کردی، و جدا کردی از او هر چه که او را از تو جدا می کند، خدایا

اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأَبُهُمُ الْإِرْتِيَا حُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهَرُهُمُ الزَّفَرَةُ

ما را از کسانی قرار ده که شیوه هاشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه

وَالْأَنِينُ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي

و ناله است، و پیشانی شان در پیشگاه عظمت بر سجده، و دیدگان شان در

مناجات خمس عشرة

خِدْمَتِكَ، وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ

خدمت بی خواب گشته است، و اشکشان از خشیت تو روان، و قلوبشان به

بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفْنَدْتَهُمْ مُنْخَلَعَةً مِنْ مَهَابَتِكَ؛ يَا مَنْ أَنْوَارُ

عشقت آویخته و دلهایشان از هیبتت از جا کنده است، ای آن که انوار

قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّهِ رَائِقَةٌ، وَسُبُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ

قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه گر است و بزرگیهای جمالش برای قلوب

عَارِفِيهِ شَائِفَةٌ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ، وَيَا غَايَةَ

عارفانش دیدنی است، ای آرمان دل مشتاقان، ای نهایت

أَمَالِ الْمُحِبِّينَ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ كُلِّ

آرزوهای عاشقان، از تو درخواست می کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر

عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَى قُرْبِكَ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ،

کاری که مرا به میدان قرب تو می رساند، و اینکه خودت را نزد من محبوب تر از دیگران

وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا

قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به سوی خرسندیات بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده

عَنْ عِصْيَانِكَ، وَآمِنُ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ، وَانْظُرْ بَعَيْنِ الْوُدِّ

از نافرمانیات سازی، خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منت گذار و به من به دیده عشق

وَالْعَطْفِ إِلَيَّ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ

و عاطفه بنگر، و روی از من متاب، و مرا نزد خود از اهل

الْإِسْعَادِ وَالْحِظْوَةِ عِنْدَكَ؛ يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خوشبختی و بهرهمندی قرار ده، ای اجابت کننده، ای مهربان ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الْعَاشِرَةُ: مُنَاجَاةُ الْمُتَوَسِّلِينَ

مناجات دهم: راز و نیاز توسل جوین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي، لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ

خدایا به پیشگاهت وسیله ای جز عواطف مهتر ندارم، و به درگاهت دست آویزی

مناجات خمس عشرة

إِلَيْكَ الْآعَارِفُ رَحْمَتِكَ ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ،

جز از آنچه از رحمت شناخته شده و جز شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت

وَمُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْغُمَّةِ ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ

رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم، خدایا! این دو وسیله را برای من سبب رسیدن

غُفْرَانِكَ ، وَصَيِّرْهُمَا لِي وَصْلَةً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ ، وَقَدْ حَلَّ

به آمرزش تو قرار ده، و آن دو را رابطه‌ای برای دست‌یابی به خشنودیت بگردان، همانا

رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ ، وَحَظُّ طَمَعِي بِفِنَاءِ جُودِكَ ، فَحَقِّقْ فِيكَ

امیدم به حریم کرمت فرود آمده، و مرکب طمعم به آستانه جودت بار انداخته است، پس درباره خودت

أَمَلِي ، وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي ، وَاجْعَلْنِي مِنَ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ

ارزویم را محقق ساز، و کارم را به خیر پایان ده، و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در

أَحَلَّتْهُمْ مُجْبُوحةَ جَنَّتِكَ ، وَبَوَّأَتْهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ ، وَأَقَرَّرَتْ

میان بهشت قرارشان دادی و خانه کرامت را در اختیارشان گذاردی

أَعَيْنَهُم بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ ، وَأَوْرَثَتْهُمْ مَنَازِلَ الصِّدْقِ

و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی، و جایگاه راستی را

فِي جَوَارِكَ ؛ يَا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَافِدُونَ عَلَى أَكْرَمِ مِنْهُ ، وَلَا يَجِدُ

در جوارت به آنان واگذار نمودی، ای آن که باریافتگان بر کرم‌تر از او بار نیابند،

الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ ، وَيَا أَعْطَفَ

و قصدکنندگان مهربان‌تر از او را نیابند، ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند، و ای مهربان‌ترین

مَنْ آوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ ، مَدَدْتُ يَدِي ، وَبَذِلُ

کسی که انسان رانده به جانب او روی آورد، به سوی گستردگی عفو تو دست‌گذاری دراز کردم، و به دامن

كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي ، فَلَا تَوَلِّنِي الْحِرْمَانَ ، وَلَا تُبَلِّنِي بِالْخَيْبَةِ

کرمت چنگ او بچشم، مرا سزاوار حرمان مکن و به ناامیدی

وَالْخُسْرَانِ ؛ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ ، [يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ] .

و زیان دچار مساز، ای شنوای دعا، ای مهربان‌ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الْحَادِيَّةُ عَشْرَةَ : مُنَاجَاةُ الْمُفْتَقرِينَ

مناجات جنس عشره

مناجات یازدهم: راز و نیاز از نیازمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي، كَسْرِي لَا يَجْبِرُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَحَنَانُكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ

خدایا شکستگی ام را جز لطف و محبتت جبران نکند، و تهیدستی ام را بی نیازی نرساند

إِلَّا عَطْفُكَ وَاحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِي لَا يُسْكِنُهَا إِلَّا أَمَانُكَ،

جز مهر و احسانت، و هراسم را جز امان تو آرام ننماید،

وَذَلَّتِي لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَأُمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ،

و خواری ام را جز توانایی ات به عزت تبدیل نکند، و مرا جز فضلت به آرزویم نرساند

وَحَلَّتِي لَا يُسَدُّهَا إِلَّا طَوْلُكَ، وَحَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُكَ،

و شکاف فقرم را جز احسان تو پر نکند، و حاجتم را کسی جز تو بر نیآورد،

وَكَرْبِي لَا يُفَرِّجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ، وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ

و غمزدگی ام را جز رحمتت برطرف ننماید و بدحالی ام را جز مهرت

رَأْفَتِكَ، وَغَلَّتِي لَا يُبْرِدُّهَا إِلَّا وَصْلُكَ، وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا

نگشاید و سوز سینه ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز دیدارت خاموش نگرداند

إِلَّا لِقَاؤُكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبُلِّغُنِي إِلَّا النَّظَرُ إِلَى وَجْهِكَ،

و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد، و آرامشم بدون نزدیک شدن

وَقَرَارِي لَا يَقِرُّ دُونَ دُنُوِي مِنْكَ، وَلَهْفَتِي لَا يَرُدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ،

به حضرتت برقرار نشود و حسرتم را جز نسیم رحمتت برنگرداند،

وَسُقْمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ، وَغَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ، وَجُرْحِي

و بیماری ام را جز درمانت شفا ندهد و غمم را جز مقام قربت برطرف نسازد، و زخمم

لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَرَيْتُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ،

را جز چشم پوشی ات التیام ندهد، و آلودگی دلم را جز گذشت تو نزداید،

وَسَوَاسُ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ؛ فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ

و وسواس سینه ام را جز فرمانت از میان نبرد، ای نهایت آرزوی

مناجات خمس عشرة

الْأَمِلِينَ ، وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ ، وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ ،

آرزومندان، ای غایت خواهش خواهندگان، ای دورترین مطلوب جویندگان،

وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ، وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ ، وَيَا أَمَانَ

ای والاترین رغبت راغبان، ای سرپرست شایستگان، ای امان

الْخَائِفِينَ ، وَيَا مُجِيبَ [دَعْوَةٍ] الْمُضْطَرِّينَ ، وَيَا ذُخْرَ الْمُعْدَمِينَ ،

ترسیدگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای ذخیره ناداران،

وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ ، وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ

ای گنج بینویان، ای فریادرس دادخواهان، ای برآورنده حاجات

الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ،

تهیدستان و بر خاک نشستگان، ای کریم‌ترین کریمان، ای مهربان‌ترین مهربانان،

لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي ، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي ، أَسْأَلُكَ

فروتنی و خواهشم به پیشگاه توست، و زاری و ناله‌ام به سوی تو، از تو می‌خواهم

أَنْ تُنِيلَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ ، وَتُؤَدِّمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ ،

مرا به نسیم خرسندیات برسانی، و نعمتهای نیکویت را بر من تداوم بخشی، من اینک بر

وَهَا أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ ، وَلِنَفْحَاتِ بِرِّكَ مُتَعَرِّضٌ ، وَبِحَبْلِكَ

در خانه کرم‌ت ایستاده‌ام، و در معرض نسیمهای نیکیت قرار دارم، و به رشته

الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ . إِلَهِي ، اِرْحَمِ

محکمت چنگ زده‌ام و به دست‌آوریز استوارت دست‌آویختم، خدایا بر بنده

عَبْدَكَ الذَّلِيلَ ، ذَا اللِّسَانِ الْكَالِيلِ ، وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ ، وَامْنُ

خوارت که زبانش گنگ، و عملش اندک است رحم کن، و با احسان پیوسته و برجسته‌ات بر او

عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ ، وَاكْنُفُهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ ؛ يَا كَرِيمُ

منت گذار، و او را زیر سایه بلندت حمایت فرما، ای گرامی،

يَا جَمِيلُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ای زیبا، ای مهربان‌ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الثَّانِيَّةُ عَشْرَةَ : مُنَاجَاةُ الْعَارِفِينَ

مناجات خمس عشرة

مناجات وازدهم: راز و نیاز عارفان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي، قَصُرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ، كَمَا يَلِيقُ بِجَلَالِكَ،

خدایا زبانها از ادای ثنایت آنچنان که شایسته عظمت توست کوتاه است،

وَعَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ

و خردها از درک ژرفای جمالت ناتوان است،

دُونَ النَّظَرِ إِلَى سُبُحَاتِ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى

و دیده ها از تماشای بزرگیهای ذات در مانده است، برای خلق

مَعْرِفَتِكَ، إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ . إِلَهِي، فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ

راهی به سوی شناساییات جز ناتوانی از شناختت قرار ندادی، خدایا ما را از کسانی قرار ده

تَرَسَّخْتَ أَشْجَارُ الشَّوْقِ إِلَيْكَ، فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ، وَأَخَذْتَ

که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوستانهای سینه هایشان استوار و پابرجا شده است

لَوْعَةً مُحَبَّبَتِكَ، بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ، فَهُمْ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَأْوُونَ،

و سوز عشقت در کانون دلهایشان برافروخته، از این روی به آشیانه اندیشه های والا جای گیرند،

وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَرْتَعُونَ، وَ مِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ

و در گلستان قرب و مکاشفات می گردند، و از حوضهای محبت

بِكَاسِ الْمَلَاظَفَةِ يَكْرَعُونَ، وَ شَرَائِعَ الْمُصَافَاةِ يَرِدُونَ، قَدْ

با جام ملاطفت می نوشند و در کنار نهرهای صفا وارد می شوند، درحالی

كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ، وَانْجَلَتْ ظِلْمَةُ الرَّيْبِ عَنْ

که پرده از دیدگانشان برداشته شده، و تاریکی از دلها و باطنشان

عَقَائِدِهِمْ وَضُمَائِرِهِمْ، وَانْتَفَتِ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ

باورها و ضمائرشان زدوده گشته، و خلجان شک از دلها و باطنشان

وَسَرَائِرِهِمْ، وَانْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ

بیرون رفته، و سینه هایشان با تحقق معرفت گشوده شده، و همتشان

مناجات خمس عشرة

لَسَبِقِ السَّعَادَةَ فِي الزَّهَادَةِ هَمُّهُمْ ، وَعَذُبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ

برای پیشی گرفتن در میدان خوشبختی بر اثر زهد بلندی گرفته،

شَرُّهُمْ ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ ، وَآمَنَ فِي مَوْطِنِ

و نوشیدنشان و چشمه زلال کردار گوارا شده، و باطنشان در مجلس انس پاکیزه گشته،

الْمَخَافَةِ سِرُّهُمْ ، وَاطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبابِ أَنْفُسُهُمْ ،

و راهشان در جای ترسناک ایمنی یافته، و جانشان با رجوع به رب الارباب اطمینان یافته،

وَتَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى

و ارواحشان به نیکبختی و رستگاری یقین یافته، و دیدگانشان با نظر به

مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ ، وَاسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ السُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ

محبوبشان روشنی گرفته، و آرامششان با دریافت خواهش و رسیدن به آرزو استقرار

قَرَارُهُمْ ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ . إِلَهِي ، مَا أَلَذَّ

یافته، و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت سودبخش بوده، خدایا چه لذت بخش است

خَوَاطِرَ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ ! وَمَا أَحْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ

در دلها خاطرات الهام گرفته از یادت، و چقدر شیرین است پویش به سوی تو با مرکب

بِالْأَوْهَامِ ، فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ ! وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ !

اندیشه‌ها در راه‌های غیب، و طعم عشقت چه خوش،

وَمَا أَعَذَّبَ شَرِبَ قُرْبِكَ ! فَأَعِزَّنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبْعَادِكَ ، وَاجْعَلْنَا

و شربت مقام قربت چقدر گوارا است، پس ما را از راندن و دور کردن پناه ده،

مِنْ أَخْصَ عَارِفِيكَ ، وَأَصْلَحَ عِبَادِكَ ، وَأَصْدَقِ طَائِعِيكَ ،

و از خاص‌ترین عارفانت و شایسته‌ترین بندگانت و راستگوترین فرمانبرانت

وَأَخْلَصَ عِبَادِكَ ؛ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ ، يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ ؛ بِرَحْمَتِكَ

و خالص‌ترین پرستندگان قرار داده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرامی، ای بخشنده، به

وَمِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الثَّلَاثَةُ عَشْرَةَ : مُنَاجَاةُ الذَّاكِرِينَ

مناجات خمس عشرة

مناجات نیر و هم: راز و نیاز و ذکر ان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

إِلَهِي، لَوْلَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ، لَنَزَّهْتُكَ عَنْ ذِكْرِي

خدایا اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشتمت از اینکه ذکر

إِيَّاكَ، عَلَى أَنَّ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى

تو گویم، چه ذکر من تو را به اندازه کاستی من است نه برآورنده کمال تو، شأن و اندازه

أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي، حَتَّى أُجْعَلَ مُحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ

من چقدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟ از بزرگ ترین

النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَى السَّنَنِ، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ

نعمتها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست، و اجازهات به ماست که تو را بخوانیم

وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ. إِلَهِي، فَالْهِمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ،

و تنزیه و تسبیح گوئیم، خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهمان و آشکار

وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ،

و شب و روز، و پیدا و پنهان، و در خوشی و ناخوشی

وَأَنْسِنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ، وَالسَّعْيِ

و ما را به ذکر پنهان مانوس فرما و به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده

الْمَرْضِيِّ، وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ. إِلَهِي، بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ

بکار گیر، و به میزان کامل پادشمان ده، خدایا دلهای عاشق

الْوَاهِتَةُ، وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ، فَلَا تَطْمَئِنُّ

شیفته تواند، و خردهای جدای از هم بر معرفت گرد آمده اند، بدین خاطر

الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ، وَلَا تَسْكُنُ النُّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ؛

دلها آرام نگیرند جز به یاد تو، و جانها جز به هنگام مشاهدات راحتی نیابند،

أَنْتَ الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ

تو تنزیه شده ای، در هر جا، و پرستیده گشته ای در هر گاه و در همواره

مناجات خمس عشرة

فِي كُلِّ آوَانٍ، وَالْمَدْعُوبُ كُلِّ لِسَانٍ، وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ،

روزگار بوده‌ای، و به هر زبان خوانده شده‌ای، و در هر دلی بزرگداشت شده‌ای

(وَ) اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بِغَيْرِ

از هر لذتی به جز ذکر تو، و از هر آسایشی جز همدمی با تو،

أَنْسِكَ، وَ مِنْ كُلِّ سُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ، وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ

و از هر شادمانی به غیر قرب تو، و از هر شغلی جز

طَاعَتِكَ . إلهي، أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

طاعت تو بپوش می‌جویم، تو گفتی و گفتارت حق است که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید

اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ . وَقُلْتَ

خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح گوئید» و تو گفتی

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾؛ فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ،

و گفتارت حق است: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» ما را به یاد کردنت فرمان دادی،

وَوَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا، وَهَا

و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزت و کرامت بخشیدن به ما،

نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا أَمَرْتَنَا، فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا؛ يَا ذَاكِرَ

ما را یاد کنی، اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می‌کنیم، پس تو نیز به وعدهات وفا کن،

الذَّاكِرِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای یادآور یادکنندگان، و ای مهربان‌ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الرَّابِعَةُ عَشْرَةَ: مُنَاجَاةُ الْمُعْتَصِمِينَ

مناجات چهاردهم: راز و نیاز پناه‌جویان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ، وَيَا مُنْجِي

خدایا ای پشیمان پناه‌جویان، ای پناه پناهندگان، و ای رهایی‌بخش

الْهَالِكِينَ، وَيَا عَاصِمَ الْبَائِسِينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ،

هلاک شدگان، و ای نگهدار بینوایان، و ای مهرورز بی‌چیزان،

مناجات خمس عشرة

وَايَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ ، وَايَا كَنَزَ الْمُفْتَقِرِينَ ، وَايَا جَابِرَ

وای اجابت کننده درمندگان وای گنجینه تهیدستان وای جبران کننده

الْمُنْكَسِرِينَ ، وَايَا مَاوَى الْمُنْقَطِعِينَ ، وَايَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ ،

شکست خوردگان، وای جایگاه آوارگان، وای یاور ناتوان شمردگان،

وَايَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ ، وَايَا مُغِيثَ الْمَكْرُوبِينَ ، وَايَا حِصْنَ

وای پناه دهنده ترسیدگان وای غمگسار غمزدگان، وای دژ

اللَّاجِينَ ، إِنْ لَمْ أَعُدْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ؟! وَإِنْ لَمْ أَلْذْ بِقُدْرَتِكَ

پناهندگان، اگر به عزت پناه نیاورم پس به که پناه برم، و اگر به قدرت پناهنده نشوم،

فَبِمَنْ أَلُوذُ؟! وَقَدْ أَلْجَأْتَنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ ،

به که پناهنده شوم؟ گناهان وادارم ساخته که به دامان گذشتت چنگ زنم،

وَأَحْوَجْتَنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاكِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ ، وَدَعَتْنِي

و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم درهای چشم پوشی ات را بر من بگشایی، و بدیها

الْإِسَاءَةُ إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفَنَاءِ عِزِّكَ ، وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ

مرا فراخوانده تا به آستان عزت بار اندازم، و هراس از

نِقَمَتِكَ ، عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ ، وَمَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ

انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت چنگ زنم، کسی که به ریسمانت

بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ ، وَلَا يَلِيقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسْلَمَ

چنگ زده سزاوار نیست خوار گردد، و آن که به عزت پناهنده شده، شایسته نیست رها گردد یا

أَوْ يُهْمَلَ . إِلَهِي ، فَلَا تُخْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ ، وَلَا تُعْرِنا مِنْ رِعَايَتِكَ ،

وا گذاشته شود، خدایا ما را از حمایت محروم مکن، و از پوشش رعایت برهنه مساز،

وَذُدْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَلَكَ ،

و از پرتگاههای هلاک دورم کن، زیرا ما در سایه توجه تو و در حمایت تو به سر می بریم و از تو بیم،

أَسْأَلُكَ يَا أَهْلَ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَالصَّالِحِينَ مِنْ

از تو می خواهم به حق خاصان از فرشتگانت، و شایستگان از

بَرِيَّتِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ ، وَتُجَبِّبُنَا

بندگان، که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکتها برهاند،

مناجات خمس عشرة

مِنَ الْآفَاتِ ، وَتُكِنُّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ ، وَأَنْ تُنْزَلَ عَلَيْنَا

و از آفات برکنار دارد، و از بلاهای سخت نگهداری کند، و هم اینکه آرامش خود را

مِنْ سَكِينَتِكَ ، وَأَنْ تُغَشِّيَ وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ ،

بر ما نازل کنی، و چهره‌های ما را به انوار محبتت پرفروغ گردانی،

وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ ، وَأَنْ تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ

و ما را در پناهگاه محکمت پناه دهی، و در کناره‌های نگهداری خویش

عِصْمَتِكَ ؛ بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

بگنجانی، به حق مهر و رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

الْمُنَاجَاةُ الْخَامِسَةُ عَشْرَةَ : مُنَاجَاةُ الزَّاهِدِينَ

مناجات پانزدهم رازو نیاز پارسایان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

إِلَهِي ، أَسْكَنْتَنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفْرَ مَكْرِهَا ، وَعَلَّقَتْنا

خدایا، ما را در خانه‌ای ساکن نموده‌ای که گودالهای فریبش را برای ما آماده ساخته، و در شبکه‌های خیانتش

بِأَيْدِي الْمُنَايَا فِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا ، فَلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ

به دستهای مرگ آویخته، از دامهای فریبش به تو پناه

خُدَعِهَا ، وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْإِغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا ، فَإِنَّهَا

می‌آوریم، و جنگ می‌زنیم از مغرور شدن به زیورهای آراسته‌اش به عنایت تو، که این

الْمُهْلِكَةُ طُلَابِهَا ، الْمُتْلِفَةُ حُلَالِهَا ، الْمَحْشُوءَةُ بِالْآفَاتِ ،

دنیا خواهند گانش را هلاک می‌سازد، و واردینش را نابود می‌کند، آکنده به آفتهاست،

الْمُشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ . إِلَهِي ، فَزَهِّدْنَا فِيهَا ، وَسَلِّمْنَا مِنْهَا

انباشته از نکبتهاست، خدایا ما را به دنیا بی‌رغبت کن، و به

بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ ، وَانْزِعْ عَنَّا جَلَائِبَ مُخَالَفَتِكَ ، وَتَوَلَّ

توفیق و عصمتت ما را از آن سلامت بدار و جامه‌های مخالفت را از هستیمان برکن،

أُمُورَنَا بِمُحْسِنِ كِفَايَتِكَ ، وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ ،

و با حسن کفایت امور ما را سرپرستی فرما، و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده‌ات کامل گردان،

وَأَجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ ، وَاغْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا

و از چشمه سار مواهب عطا ی ما را نیکو گردان، و در سرزمین دلهای ما

أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ ، وَاتِّمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ ، وَادِّقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ ،

درختان محبت را بکار، و انوار معرفت را بر ما کامل کن، و شیرینی گذشت

وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ ، وَاقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَيْتِكَ ، وَآخِرِجْ

و لذت آمرزش را به ما بچشان، و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما،

حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا ، كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفَوَاتِكَ ،

و محبت دنیا را از دل ما بیرون کن، آنگونه که درباره نیکوکاران برگزیده ات

وَالْأَبْرَارَ مِنْ خَاصَّتِكَ ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَيَا أَكْرَمَ

و خاصان نیکو کردارت انجام دادی، به حق مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان و ای گرامی ترین

الاکرمین .

گرامیان .

مناجات منظوم حضرت امیر المومنین علیه السلام بنقل از ضمیمه علومیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَا تَبَارَكَتْ تُعْطَى مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُ

ستایش تو راست ای صاحب جود و بزرگواری و برتری فرخنده ای تو عطا کنی به هر که خواهی و منع کنی ز هر که خواهی

إِلَهِي ، وَخَلَّاقِي وَحِرْزِي وَمَوْئِلِي إِلَيْكَ لَدَى الْإِعْسَارِ وَالْيُسْرِ أَفْزَعُ

خدایم و آفریدگارم، و نگهدارم و پناهم و جانب تو در سختی و آسانی پناه می آورم

إِلَهِي، لَئِنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطِيئَتِي فَعَفْوُكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلُّ وَأَوْسَعُ

خدایا اگر خطایم بزرگ و انبوه است پس گذشت تو از گناه من بزرگتر و گسترده تر است

إِلَهِي، لَئِنْ أَعْطَيْتُ نَفْسِي سُؤْلَهَا فَهِيَ أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَرْتَعُ

خدایا اگر خواهش نفسم را به نفسم وا گذاشتم اینک در مرغزار پشیمانی می گردم

مناجات منموم حضرت امیرالمومنین علیؑ

إِلَهِی ، تَرَى حَالِی وَفَقْرِی وَفَاقَتِی وَأَنْتَ مُنَاجَاتِی الْخَفِیَّةَ تَسْمَعُ

خدایا بد حالی و تهیدستی و نیازم را می بینی و تو مناجات پنهان مرا می شنوی

إِلَهِی ، فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی وَلَا تُزِغْ فُؤَادِی فَلَی فِی سَبَبِ جُودِكَ مَطْمَعُ

خدایا امیدم را قطع مکن، و منحرف مساز قلبم را که من به باران جودت طمع دارم

إِلَهِی ، لَئِنْ خَبَّبْتَنی أَوْ طَرَدْتَنی فَمَنْ ذَا الَّذِی أَرْجُو؟ وَمَنْ ذَا أَشْفَعُ؟

خدایا اگر محرومم کنی یا از پیشگاهت برانی پس به چه کسی امیدوار شوم و چه کسی را شفیع گیرم

إِلَهِی ، أَجْرِفِ مِنْ عَذَابِكَ إِنِّنِّی أَسِیرُ ذَلِیلٍ خَائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ

خدایا از عذابت پناهم ده که من اسیر و خوار و ترسانم و برایت فروتنی می کنم

إِلَهِی ، فَأَنِسْنِی بِتَلْقِینِ حُجَّتِی إِذَا كُنَّا لِی فِی الْقَبْرِ مَثْوًی وَمَضَجُ

خدایا با آموزش دلیل راه همراهم باش در آن زمان که در قبر منزل و خوابگاهم باشد

إِلَهِی ، لَئِنْ عَذَّبْتَنی أَلْفَ حِجَّةٍ فَحَبْلُ رَجَائِی مِنْكَ لَا يَتَقَطَّعُ

خدایا اگر هزار سال مرا عذاب نمایی رشته امید من از تو قطع نمی شود

إِلَهِی ، أَذِقْنِی طَعْمَ عَفْوِكَ یَوْمَ لَا بَنُوتُ وَلَا مَالٌ هُنَالِكَ يَنْفَعُ

خدایا مزه گذشتت را به من بچشان آنگاه که نه فرزندان و نه مال در آن زمان سود نرساند

إِلَهِی ، لَئِنْ لَمْ تَرَعْنِی كُنْتُ ضَائِعًا وَإِنْ كُنْتُ تَرَعَانِی فَلَسْتُ أَصِیْعُ

خدایا اگر مرا رعایت نکنی تباه شده ام و اگر رعایت منمایی تباهی نمی پذیرم

إِلَهِی ، إِذَا لَمْ تَعْفُ عَنِّ غَیْرِ مُحْسِنٍ فَمَنْ لِمُسِئٍ بِالْهُوْیِ یَتَمَتَّعُ

خدایا اگر از غیر نیکوکاران نگذری پس امید کسی که با هوس کامروایی می کند کیست؟

إِلَهِی ، لَئِنْ فَرَطْتُ فِی طَلَبِ التَّقَیِّ فَهَا أَنَا إِثْرُ الْعَفْوِ أَقْفُو وَاتَّبِعُ

خدایا اگر در طلب پروا کوتاهی نمودم پس اینک دنبال گذشتت توام و سراغ آن میروم

إِلَهِی ، لَئِنْ أَخْطَأْتُ جَهْلًا فَطَالَمَا رَجَوْتُكَ حَتَّى قِیلَ مَا هُوَ یَجْزَعُ

خدایا اگر از روی جهالت خطا کردم تا آنجا به تو امید بستم که درباره ام گفته شد باک ندارد

إِلَهِی ، ذُنُوبِی بَدَّتْ الطُّودَ وَاعْتَلَّتْ وَصَفْحُكَ عَن ذَنْبِی أَجَلٌ وَارْفَعُ

خدایا گناه من بلندتر و بزرگ تر از کوههای برافراشته شده ولی چشم پوشی تو از گناه من بزرگ تر و برافراز تر است

إِلَهِی ، یُنَحِّی ذِکْرُ طَوْلِكَ لَوْعَتِی وَذِکْرُ الْخَطَايَا الْعَیْنِ مِنْنِی یُدَمِّعُ

خدایا یاد عطای همیشگی ات آتش دلم را خنکا می بخشد و یاد گناهان، دیدگانم را اشکیار می سازد

مناجات منموم حضرت امیر المومنین علی علیه السلام

إِلَهِي، أَقْلَنِي عَثْرَتِي وَامْحُ حَوْبَتِي فَإِنِّي مُقَرَّرٌ خَائِفٌ مُتَضَرِّعٌ

خدایا لغزشم را نادیده گیر و گناهم را پاک کن من اقرار به گناه دارم و هراسان و نالانم

إِلَهِي، أُنِلْنِي مِنْكَ رَوْحًا وَرَاحَةً فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعٌ

خدایا از سوی خود آسایش و راحتی به من ده که من جز درهای احسان تو را نمی گویم

إِلَهِي، لَئِنْ أَقْصَيْتَنِي أَوْ أَهَنْتَنِي فَمَا حِيلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ؟

خدایا اگر مرا دور کنی یا سبکم انگاری پس چه چاره کنم ای پروردگار و چه سازم

إِلَهِي، حَلِيفُ الْحُبِّ فِي اللَّيْلِ سَاهِرٌ يُنَاجِي وَيَدْعُو الْمُغْفَلُ يَهْجَعُ

خدایا سوگند خورده عشق در شب بیدار است راز و نیاز و دعا می کند ولی شخص غافل می خوابد

إِلَهِي، وَهَذَا الْخَلْقُ مَا بَيْنَ نَائِمٍ وَ مُنْتَبِهٍ فِي لَيْلِهِ يَتَضَرَّعُ

خدایا از این مردم گروهی در خوابند و گروهی دیگر شب بیدار و زاری می کنند

وَكُلُّهُمْ يَرْجُو نَوَالَكَ رَاجِيًا لِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَى وَفِي الْخُلْدِ يَطْمَعُ

و همه آنان عطای تو را امید دارند، و امیدوار رحمت بزرگ تواند و به بهشت تو طمع و ورزند

إِلَهِي، يُمَيِّنُنِي رَجَائِي سَلَامَةً وَقُبْحُ خَطِيئَاتِي عَلَيَّ يُشْنَعُ

خدایا امید من در دلم آرزوی سلامتی می کند و زشتی گناهانم مرا به رسوایی تهدید می نماید

إِلَهِي، فَإِنْ تَعَفَوْ فَعَفْوُكَ مُنْقَذِي وَإِلَّا فَبِالذَّنْبِ الْمُدْمِرِ أَصْرَعُ

خدایا اگر بگذری گذشتت نجات بخش من است ورنه با گناهم به عرصه نابودی در افتم

إِلَهِي، بِحَقِّ الْهَاشِمِيِّ مُحَمَّدٍ وَ حُرْمَةِ أَطْهَارِهِمْ لَكَ خُضُّعُ

خدایا به حق محمد هاشمی نسب و به حرمت پاکانی که نزد تو فروتنند

إِلَهِي، بِحَقِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَمِّهِ وَ حُرْمَةِ آبَرَارِهِمْ لَكَ خُشُّعُ

خدایا به حق محمد مصطفی و پسر عمویش و به حرمت نیکوکارانی که برای تو خاشعند

إِلَهِي، فَانْشُرْنِي عَلَى دِينِ أَحْمَدٍ مُنِيبًا تَقِيًّا قَانِتًا لَكَ اخْضَعُ

خدایا مرا در رستاخیز بر دین احمد برانگیز تائب و پرهیزگار و عابد فروتن در پیشگاهت

وَلَا تَحْرِمْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى فَذَاكَ الْمَشْفَعُ

ای خدای من و آقای من مرا محروم مساز از شفاعت بزرگ محمد که شفاعتش پذیرفته است

وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مَا دَعَاكَ مُوحِّدٌ وَ نَاجَاكَ أَخْيَارُ بَبَائِكَ رُكَّعٌ

و بر ایشان درود فرست تا هرگاه که موحدی تو را بخواند و خوبان با تو مناجات کنند و در برابرت به رکوع پردازند

و نیز در «صحیفه علویه» مناجات منظوم دیگری از آن حضرت نقل شده که اوّل آن «یا سامِعُ الدُّعَاءِ» است. ولی چون مشتمل بر واژه‌های مشکل و لغات ناآشنا بود و ما بنابر اختصار داریم از ذکرش خودداری نمودیم.

ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ مِنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي الْمُنَاجَاةِ:

در باب مناجات

از مولایمان علی (درود بر او)

سه جمله

إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا ، وَكَفَى بِي فَخْرًا

و برایم این افتخار کافی است

این عزّت بس است که بنده تو باشم،

خدایا مرا

أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا؛ أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ، فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ.

مرا هم چنان کن که دوست داری.

که تو پروردگار من باشی، تو آنچنانی که دوست دارم،

فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

باب دوم

در اعمال ماههای سال و فضیلت و اعمال نوروز و نیز اعمال ماههای رومی (شمسی) و آن در چند فصل است:

فصل اول: در بیان فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

بدان که این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان در شرافت ، کامل و تمامند و روایات بسیاری در فضیلت آنها وارد شده است بلکه از رسول خدا ﷺ روایت شده است که رجب ماه بزرگ خدا است و ماهی در احترام و فضیلت به آن نمی‌رسد و در این ماه جنگ با کافران حرام است!! و رجب ماه خدا و شعبان ماه من و رمضان ماه امت من است ، کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بدارد ، مستحقّ خشنودی بزرگ خدا می‌شود و خشم حق از او دور می‌گردد و دری از درهای دوزخ به رویش بسته می‌شود.

و از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده است: هر که یک روز از ماه رجب را روزه بدارد بهشت بر او واجب می‌شود. و نیز فرمود: رجب نام نهری است در بهشت که از شیر سپیدتر و از عسل شیرین‌تر است ، هر که یک روز از

فضیلت و اعمال ماه مبارک رجب

رجب را روزه بدارد به یقین از آن نهر بیاشامد. و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ماه رجب ماه استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خدا آمرزگار و مهربان است و رجب را «اصب» [یعنی فروریزنده تر] می گویند ، زیرا رحمت خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته می شود ، پس بسیار بگویید: اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.

ابن بابویه به سند معتبر از سالم روایت نموده است که گفت: در اواخر ماه رجب که چند روزی از آن مانده بود به خدمت امام صادق علیه السلام رفتم. چون نظر مبارک آن حضرت بر من افتاد ، فرمود: آیا در این ماه روزه گرفته ای؟ گفتم: نه به خدا ای پسر رسول خدا. فرمود: آنقدر ثواب از تو فوت شده که اندازه آن را جز خدا کسی نمی داند ، به یقین این ماهی است که خدا آن را بر ماههای دیگر فضیلت داده و احترام آن را عظیم نموده و گرامی داشتن روزه داران این ماه را بر خود واجب کرده!! گفتم: یابن رسول الله ، اگر در باقیمانده این ماه روزه بدارم آیا به بخشی از ثواب روزه داران آن نایل می شوم؟ فرمود: ای سالم هر که یک روز از آخر این ماه را روزه بدارد ، خدا او را از سختی سكرات مرگ

اعمال ماه رجب

و از هراس پس از مرگ و از عذاب قبر ایمن می کند ،
و هر که دو روز آخر این ماه را روزه بدارد ، به آسانی از
صراط می گذرد ، و هر که سه روز آخر این ماه را روزه
بدارد از وحشت بزرگ روز قیامت ، و از سختیها و هول های
آن روز ایمن می شود ، و برات آزادی از آتش دوزخ را به
او عطا می کنند.

در هر صورت برای روزه ماه رجب فضیلت بسیار وارد شده
و در روایت آمده :

اگر کسی قدرت بر روزه ماه رجب را ندارد ، هر روز این
تسبیحات را صد بار بخواند ، تا ثواب روزه ماه رجب را دریابد:

سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ ؛ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ ؛

منزه است خدای بزرگ ، منزه است آن که تسبیح جز برای او سزاوار نیست ،

سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ ؛ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ .

منزه است خدای عزیز تر و گرامی تر ، منزه است آن که جامه عزت در پوشید که تنها او برای آن جامه شایسته است .

اعمال ماه رجب

و آن بر دو بخش است:

بخش اول: اعمال مشترک آن است که متعلق به همه ماه
است و اختصاص به روز معینی ندارد، و آن چند عمل

دُعایِ هر روز ماه رجب

است:

اوّل: در تمام روزهای ماه رجب این دعا را بخواند، دعایی که روایت شده: حضرت زین العابدین علیه السلام در آغاز رجب در حجر اسماعیل خواند: **يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، وَيَعْلَمُ**

ای که مالک حاجات خواهندگانی، و از باطن لب

ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ، لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ، وَجَوَابُ

فروبستگان خبر داری، از سوی تو برای هر خواهشی، گوش شنوا، و پاسخی

عَتِيدٌ. اَللّٰهُمَّ وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ، وَايَادِكَ الْفَاضِلَةُ،

آماده است، خدایا به حق وعده‌های صادقانه‌ات، و نعمتهای فراوانت،

وَرَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ، فَاسْأَلْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ

رحمت گسترده‌ات، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ [اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ

محمد درود فرستی، و حاجات دنیا و آخرتم را برآوری، چه همانا تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ].

کاری توانایی.

دوّم: این دعا را بخواند، دعایی که امام صادق علیه السلام در هر روز ماه رجب می‌خواندند:

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلٰى غَيْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ اِلَّا لَكَ،

آنان که بر غیر تو بار یافتند ناامید گشتند، و آنان که به کاری جز توجه به تو پرداختند زیانکار شدند،

وَضَاعَ الْمُؤْمُونَ اِلَّا بِكَ، وَاجْدَبَ الْمُتَجَعِّعُونَ اِلَّا مَنْ اَنْتَ جَع

و آنان که به درگاه غیر تو وارد شدند به تباهی رسیدند، و سودجویان دچار قحطی شدند، مگر آنان که

فَضْلَكَ، بِاَبْكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ، وَخَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِينَ،

از فضل تو سود جستند، در رحمتت به روی مشتاقان باز است، خیرت به خواهندگان عطا شده،

دُعای هر روز ماه رجب

وَفَضْلُكَ مُبَاهٍ لِّلسَّائِلِينَ ، وَنَيْلُكَ مُتَّاحٌ لِّلْأَمَلِينَ ، وَرِزْقُكَ

احسانت برای نیازمندان گوارا است، و عطایت برای آرزومندان آماده است و روزیات

مَبْسُوطٌ لِّمَن عَصَاكَ ، وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِّمَن نَّوَاكَ ، عَادَتُكَ

حتی برای روگردانان از فرمانت گسترده است، و بردباری ات کسانی را که به دشمنی ات برخاسته اند نیز شامل است،

الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ ، وَسَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ .

شیوه ات به بدکاران احسان، و روش زندگی بخشیدن به متجاوزان است،

اَللّٰهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ ، وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ ،

خدایا مرا به راه ره یافتگان بدار، و تلاش تلاش گران را روزی ام فرما،

وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ ، وَاعْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ .

و مرا از بی خبران دور شده قرار مده، و روز جزا آمرزش را نصیبم کن.

سوم: شیخ در کتاب «مصبح» از مُعَلَّى بن خَنِس از امام

صادق علیه السلام روایت کرده: در ماه رجب این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِیْنَ لَكَ ، وَعَمَلَ الْخَائِفِیْنَ مِنْكَ ،

خدایا شکیبایی شاکرانت، و کردار ترسیدگانت،

وَيَقِیْنَ الْعَابِدِیْنَ لَكَ . اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ ، وَاَنَا عَبْدُكَ

و باور عبادت کنندگانت را از تو می خواهم، خدایا تو برتر و بزرگی، و من بنده

الْبَائِسُ الْفَقِیْرُ؛ اَنْتَ الْغَنِیُّ الْحَمِیْدُ ، وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلِیْلُ . اَللّٰهُمَّ

بینوا و تهیدستم، تو بی نیاز و ستوده ای، و من بنده خوارم، خدایا

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ ، وَاَمْنٌ بِغِنَاكَ عَلٰی فَقْرِیْ ، وَبِحِلْمِكَ عَلٰی

بر محمد و خاندانش درود فرست، و عطای این خواسته ها را بر من منت بگذار به توانگری ات بر

جَهْلِیْ ، وَبِقُوَّتِكَ عَلٰی ضَعْفِیْ ؛ یَا قَوِّیْ یَا غَزِیْزُ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ

تهیدستی ام، و به بردباری ات بر نادانی ام، به توانت بر ناتوانی ام ای عزیز، خدایا بر

عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ ، الْاَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّیْنَ ، وَاكْفِنِیْ مَا اَهَمَّنِیْ مِنْ

محمد و خاندانش آن جانشینان پسندیده درود فرست، و مرا از

أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ.

کارهای دنیا و آخرت نسبت به چیزی که بی تابم کرده کفایت کن ای مهربان ترین مهربانان.

مؤلف گوید: سید ابن طاووس هم این دعا را در کتاب «اقبال» نقل کرده ، و از نقل او پیداست که این دعا از جامع ترین دعاهاست ، و در تمام اوقات می توان آن را خواند.

چهارم: شیخ طوسی فرموده: در هر روز ماه رجب مستحب است این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَّنِ السَّابِغَةِ، وَالْآلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ،

خدایا ای صاحب نعمتهای فراوان و عطاهای قسمت شده، و رحمت گسترده،

وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ،

و قدرت فراگیر، و نعمتهای برجسته، و موهبتهای عظیم،

وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةِ؛ يَا مَنْ لَا يُنْعَثُ بِتَمَثِيلٍ،

و بخششهای زیبا، و عنایات درخور، ای آن که به شباهت با چیزی وصف نشود،

وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ؛ يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَآلِهَمَ

و به مثال و نمونه ای مثلش نزنند، و از سوی هیچ پنجه ای مغلوب نگردد، ای آن که آفرید و روزی داد، و الهام نمود

فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ

و به سخن آورد، و نوآوری نمود و آغاز کرد، و برتر شد و بالا رفت، و اندازه داد و نیکو اندازه داد، و شکل داد

فَاتَّقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجَزَلَ، وَمَنْحَ

و استوار نمود و حجت آورد و رساند، و نعمت بخشید و فراوان گرداند و بخشید و افزون ساخت،

فَأَفْضَلَ؛ يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي

و عطا فرمود و فزونی بخشید، ای که در عزت بالا، پس از دیدگاه دیده ها در گذشت، و در

دُعایِ هر روز ماهِ رجب

اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ؛ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ، فَلَا نِدَّ لَهُ

لطف نزدیک شد پس از دغدغه افکار بیرون رفت، ای آن که

فِي مَلَكَوَتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ، فَلَا ضِدْلَهُ فِي

در فرمانروایی یگانه است پس برای او در عرصه سلطنتش همتایی نیست، و به نعمتها و بزرگمنشی تنهاست، پس برای

جَبَرَوَتِ شَأْنِهِ؛ يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ

او در عظمت جایگاهش ضدی نیست، ای آن که در شکوه هیبتش دقایق و لطایف اندیشه‌ها

الْأَوْهَامِ، وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ

سرگردان شده، و در برابر درک عظمتش دیدگان تیزبین خلاق و امانده است،

الْأَنَامِ؛ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ

ای آن که رخسارها در برابر جلالتش به خواری افتاده، و گردنها در برابر

لِعَظَمَتِهِ، وَوَجِلَتْ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ

بزرگی‌اش فروتن گشته، و دلها از ترسش هراسان شده است، از تو می‌خواهم به حق این

الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَآيَتْ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ

ستایش که جز برای تو شایسته نیست، و به آن وعده‌ای که برای

لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ

خوانندگان از مؤمنین، خود را به آن پای بند کرده‌ای و به آنچه اجابت آن را برای دعاکنندگان بر خودت

لِلدَّاعِينَ؛ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَأَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَأَسْرَعَ

ضمانت نموده‌ای، ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای چابک‌ترین

الْحَاسِبِينَ؛ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

حسابرسان، ای صاحب نیروی استوار، بر محمد خاتم پیامبران

وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَاقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ،

و بر اهل بیتش درود فرست، و در این ماه بهترین چیزی را که قسمت کرده‌ای نصیب من کن،

وَاحْتِمِ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَاخْتِمِ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ

و بهترین چیزی که در قضای خود حتم نموده‌ای بر من حتم کن، و آن را برای من به خوشبختی ختم کن، در زمره

خَتَمْتَ، وَآحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمِتْنِي مَسْرُورًا

آنان که کارشان را به خوشبختی ختم نمودی، و تا زنده‌ام زندگی همراه با عنایاتی فراوان روزی‌ام کن، و بمیران خوشحال

دُعای هجده روز ماه رجب

وَمَغْفُورًا، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي

و آمرزیده، و از پرسش و پاسخ برزخ رهایی ام بخش، و نکیر و منکر

مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَارْ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى

دو فرشته مأمور بر سؤال مردگان را از من دور کن و مبشر و بشیر را که مؤدود دهندگان سعادتمند به من بنمایان،

رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيرًا، وَعَيْشًا قَرِيرًا، وَمُلْكًا كَبِيرًا،

و برایم به جانب خشنودی و بهشت راه همواری قرار ده و زندگی خوش و فرمانروایی بزرگی برایم مقرر فرما،

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا.

و بر محمد و خاندانش درود بسیار فرست.

مؤلف گوید: این دعا دعایی است که در مسجد صعصعه هم خوانده می شود.

پنجم: شیخ روایت کرده که از ناحیه مقدسه به دست شیخ کبیر ابی جعفر محمد بن عثمان بن سعید رحمته الله این توفیق شریف [یعنی دست نویس شریف] بیرون آمد که هر روز از روزهای رجب بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ، وَوَلَاةَ أَمْرِكَ،

خدایا از تو درخواست می کنم، به حق معانی تمام دعاها و متولیان امرت تو را به آن می خوانند،

الْمُتَّوَمِنُونَ عَلَى سِرِّكَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الْوَاصِفُونَ

آنان که امین راز تو هستند، و به امر تو شادند، و بیان کنندگان

لِقُدْرَتِكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ

نیرویت و آشکار کنندگان بزرگی ات می باشم، از تو می خواهم به حق آنچه از

مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَارْكَأْنَا لِتَوْحِيدِكَ

مشیتت درباره ایشان گفته شد، پس آنان را قرار دادی معادن کلمات و پایه های توحیدت،

دُعای هر روز ماه رجب

وآيَاتِكَ ، وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ ، يَعْرِفُكَ

و آیات و مقامات که تعطیلی برای آنها در جایی نیست، تو را با آنها

بِهَا مَنْ عَرَفَكَ ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ ،

شناسد هر که بشناسدت، بین تو و آنها تفاوتی نیست جز اینکه ایشان بندگان و آفریده تواند

فَتَقُّهَا وَرَتَّقُهَا بِيَدِكَ ، بَدْوُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ ، أَعْضَادُ

که باز بسته شدن کارشان به دست توست، آغازشان از تو و انجامشان به جانب توست، آنان بازوان

وَأَشْهَادُ ، وَمُنَاةٌ وَأَذْوَادُ ، وَحَفَظَةٌ وَرُؤَادُ ، فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءُكَ

و گواهان و بخشنندگان و مدافعان و نگهبانان و باز رسان اند، آسمان

وَأَرْضُكَ ، حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ؛ فَبِذَلِكَ أَسَأَلُكَ ،

و زمین را با حقیقت آنان انباشتی تا آشکار شد که معبودی جز تو نیست، پس به حق همه اینها

وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَبِمَقَامَاتِكَ وَعِلَامَاتِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ

و به جایگاههای عزت از رحمت و به مقامات و نشانه های از تو می خواهم که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيْمَانًا وَتَثْبِيْتًا . يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ ،

بر محمد و خاندانش درود فرستی، و بر ایمان و پایداریم بیفزایی، ای نهان در عین ظهور،

وَزَاهِرًا فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ ؛ يَا مُفَرِّقًا بَيْنَ التَّوَرِّ وَالذَّيْجُورِ ؛

ای ظاهر در عین نهان و مستوری، ای جدا کننده بین روشنایی و تاریکی،

يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ ، وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبْهِ ، حَادٌّ كُلِّ مَحْدُودٍ ،

ای وصف شده بدون اینکه ژرفای وجودش درک شود و ای شناخته شده بدون تشبیه، مرز بند هر محدود،

وَشَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ ، وَمَوْجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ ، وَمُحْصِيَ كُلِّ

گواه هر گواهی پذیر، هستی بخش هر چه هست، و شماره کننده هر

مَعْدُودٍ ، وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ ، أَهْلَ

شماره و گم کننده هر گم شده، معبودی غیر تو نیست، اهل

الْكِبْرِيَاءِ وَالْحُجُودِ ؛ يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ ، وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ ؛

بزرگمنشی و جودی، ای که چگونه نپذیری و به جایی درنگنجی، ای پوشیده از هر دیده،

يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ ؛ يَا دَيُّومُ يَا قَيُّومُ ، وَعَالِمُ كُلِّ مَعْلُومٍ ،

ای جاودان، ای به خود پاینده و دانای هر دانسته،

دُعایِ هر روز ماهِ رجب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ عَلَى عِبَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ، وَ بَشَرِكَ

بر محمد و خاندانش درود فرست، و بر بندگان برگزیده‌ات، و انسانهای

الْمُتَجَبِّينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الْبُهِمِ الصَّافِينَ الْحَافِينَ،

در پرده‌ات، و فرشتگان مقرب‌ت، و شجاعان صف کشیده و آنگاه پس از این است از

وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا، الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنْ

و مبارک گردان بر ما در این ماهمان ماه بزرگ و ماه مکرم، و آنچه پس از این است از

الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ، وَ أَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ، وَ أَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسَمَ،

ماههای محترم، در این ماه نعمت‌های را بر ما فراوان کن، و نصیبهای ما را سرشار فرما،

وَ ابْرِرْ لَنَا فِيهِ الْقِسَمَ، بِسِمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ،

و سوگندهایمان را به انجام برسان، به حق اسم بزرگ‌تر و بزرگ‌تر، و عظیم‌تر و گرامی‌تر

الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ، وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَ اغْفِرْ

که چون بر روز نهاده‌ی روشن شد و چون بر شب گذاردی تاریک گشت، و از گناهانمان بیامرز

لَنَا مَا تَعَلَّمُ مِنَّا وَ مَا لَا نَعْلَمُ، وَ اعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ

آنچه را تو می‌دانی و آنچه را ما نمی‌دانیم، و ما را از گناهان حفظ کن به بهترین

الْعِصْمِ، وَ اكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَ اْمُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ،

نگاهداری، و ما را از حوادثی که مقدر نموده‌ای کفایت فرما، و بر ما به حسن تو جهت منت گذار،

وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَ بَارِكْ لَنَا فِيمَا

و به غیر خودت وامگذار، و ما را از خیرت منع مکن، و به عمرهایمان به

كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَ أَصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا، وَ أَعْطِنَا

اندازه‌ای که مقدر فرموده‌ای برکت ده، و رازهای پنهان ما را سامان ده، و از جانب

مِنْكَ الْأَمَانَ، وَ اسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ،

خود به ما امان بده، و ما را با حسن ایمان به کار گمار، و به ماه رمضان

وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ؛ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و روزها و سالهای پس از آن برسانمان، ای دارای جلالت و بزرگواری.

ششم: شیخ روایت نموده که: از ناحیه مقدسه به دست شیخ

دُعای هر روز ماه رجب

ابو القاسم رحمه الله این دعا در ایام رجب صادر شده:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِالمَوْلُوْدِیْنَ فِی رَجَبٍ ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الثَّانِی ،

خدایا! از تو درخواست می کنم به حق دو مولود ماه رجب، محمد بن علی دوم (امام جواد ع)،

وَابْنِهِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ ، وَاتَّقَرَّبُ بِهِمَا اِلَیْكَ خَیْرَ

و فرزندش علی بن محمد برگزیده (امام هادی ع) و به وسیله آن دو امام به جانب تو تقرب می جویم به بهترین

القُرْبِ ؛ یا مَنْ اِلَیْهِ المَعْرُوفُ طُلِبَ ، وَفِیْما لَدَیْهِ رُغِبَ ، اَسْأَلُكَ

تقرب، ای آن که نیکی تنها از سوی او خواسته شده، و تنها در آنچه نزد اوست رغبت شده است، از تو می خواهم

سُؤَالَ مُقْتَرَفٍ مُّذْنِبٍ ، قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوْبُهُ ، وَآوَتْهُ عُیُوبُهُ ،

خواهش جرم پیشه معصیت کاری که گناهانش او را هلاک نموده، و عیوبش او را به اسارت کشیده،

فَطَالَ عَلَی الخَطَاِیَا ذُؤُوبُهُ ، وَمِنَ الرِّزَاِیَا خُطُوبُهُ ، یَسْأَلُكَ

پس عادتش بر گناه طولانی شد، و امورش و با بلاهای سخت به هم آمیخت، از تو می خواهد:

التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ ، وَالنِّزْوَعَ عَنِ الْحَوْبَةِ ، وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ

توبه و خوبی بازگشت، کنده شدن از گناه، رهایی جانش از آتش،

رَقَبَتِهِ ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِی رِیْقَتِهِ ، فَاَنْتَ مَوْلَایْ اَعْظَمُ اَمَلِهِ

گذشت از آنچه بر گردن اوست، زیرا مولای من تو بزرگترین آرزو و امید او

وَثِقَتِهِ . اَللّٰهُمَّ وَاسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِیْفَةِ ، وَ وَسَائِلِكَ

هستی. خدایا! از تو می خواهم به حق مسائل شریف، و وسایل

الْمُنِیْفَةِ ، اَنْ تَتَغَمَّدَنِیْ فِی هَذَا الشَّهْرِ ؛ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ ،

والایت، که مرا در این ماه به رحمت گسترده ات،

وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ ، اِلَیْ نُزُولِ الحَافِرَةِ ،

و نعمت تقسیم شده ات فروگیری، و نفسی به من عنایت کنی که به آنچه روزی اش نموده ای قناعت ورزد تا گاهی

وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ ، وَمَا هِیَ اِلَیْهِ صَابِرَةٌ .

که به گور درآید و به آخرت رسد، و به آنچه عاقبت اوست باز گردد.

هفتم: و نیز شیخ از جناب ابو القاسم حسین بن روح رحمته الله که

زیارت رجبیه

نایب خاص حضرت صاحب الامر (عج) است روایت کرده:
که فرمود: در ماه رجب در هر زیارتگاهی از زیارتگاههای
شریف که باشی به این زیارت صاحب مزار را زیارت کن.
پس چون وارد حرم می شوی بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ ، وَأَوْجَبَ

سپاس خدا را که ما را در ماه رجب در محضر اولیایش حاضر کرد، و آنچه

عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

را که از حق ایشان بر ما فرض بود واجب فرمود، و درود خدا

مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ ، وَ عَلَى أَوْصِيَائِهِ الْحُجُبِ . اَللّهُمَّ فَكَمَا

بر محمد برگزیده خدا، و جانشینان پر نجابتش، خدا یا! چنان که

أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ ، وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ ، غَيْرَ

ما را به محضر ایشان حاضر نمودی، به وعده آنها در حق ما وفا کن، و ما را به جایگاه ورود آنان

مُحَلِّلِينَ عَنِ وَرْدٍ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ ؛ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ ، إِنِّي

و فیض وجودشان وارد فرما، بی آنکه از ورود به خانه همیشگی و بهشت جاوید رانده شویم، و سلام بر شما،

[قَدْ] قَصَدْتُكُمْ ، وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسَالَتِي وَحَاجَتِي ، وَهِيَ فَكَأَكُ

من به قصد شما آمده ام و در خواست و حاجتم به شما تکیه کردم، حاجتم

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ ، مَعَ شِيعَتِكُمْ

آزادی ام از دوزخ و جای گرفتن در کنار شما در خانه ابدی است، همراه با پیروان

الْأَبْرَارِ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ ، فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ . أَنَا

نیکو کار تان، و سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان، چه نیکوست این خانه آخرت، من

سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ ، وَ عَلَيْكُمْ التَّعْوِيضُ ،

خواهنده و آرزومند شمایم و در آنچه اختیار و تغییرش به دست شماست.

فَبِكُمْ يُجَبِّرُ الْمَهِيْضُ ، وَيُشْفَى الْمَرِيضُ ، وَمَا تَزَادُ الْآرْحَامُ

تنها «به وسیله شما» شکستگی جبران شود و بیمار درمان پذیرد، و آنچه را رحم ها بیفزایند

زیارت ربّیّه

وَمَا تَغِيْضُ ؛ اِنِّیْ بِسِرِّکُمْ مُؤْمِنٌ (مُؤَمِّمٌ) ، وَلَقَوْلُکُمْ مُّسَلِّمٌ ،

و کم کنند انجام پذیرد، من به راز شما ایمان دارم و به گفتار تان تسلیمم،

وَ عَلَی اللّٰهِ بِکُمْ مُّقْسِمٌ فِی رَجْعِیْ بِحَوَائِجِیْ ، وَقَضَائِهَا

و خدا را به شما سوگند می‌دهم در اینکه از حرم شما باز گردم به همراه حاجاتم و روا شدن آنها

وَ اِمْضَائِهَا ، وَ اِنْجَاحِهَا وَ اِبْرَاحِهَا ، وَ بِشُؤْنِیْ لَدَیْکُمْ وَ صَلاَحِهَا ؛

و به امضا رسیدنشان و موفّقانه برآمدنشان و دور شدن سختی‌های آنها و به همراه کارهایم نزد شما و اصلاح آنها،

وَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ سَلاَمٌ مُّوَدِّعٌ ، وَلَکُمْ حَوَائِجُهُ مُوَدِّعٌ ، یَسْأَلُ

و سلام بر شما سلام وداع کننده‌ای که حوایجش را به شما سپرده، از خدا

اللّٰهُ اِلَیْکُمْ الْمَرْجِعَ ، وَ سَعِیُّهُ اِلَیْکُمْ غَیْرُ مُنْقَطِعٍ ، وَ اَنْ یُّرْجِعَنِی

می‌خواهد دوباره به سوی شما باز گردد، و راهش به جانب شما قطع نشود، و اینکه خدا مرا برگرداند

مِنْ حَضْرَتِکُمْ ، خَیْرَ مَرْجِعٍ اِلَیْ جَنَابِ مُرْجٍ ، وَ خَفِضَ مُوَسَّعٍ ،

از محضر شما به بهترین وجه و با دستی پر، به جایی سرسبز،

وَ دَعَا وَ مَهَلٍ اِلَیْ حَیْنِ الْاَجَلِ ، وَ خَیْرَ مَصِیْرٍ وَ مَحَلٍّ فِی النّعیمِ

و زیستگاهی خوش و گسترده، و راحت و آسوده، تا رسیدن مرگ و بهترین سرانجام، و جایگاهی در ناز و نعمت

الْاَزَلِ ، وَ الْعَیْشِ الْمُقْتَبَلِ ، وَ دَوَامِ الْاُکْلِ وَ شُرْبِ الرّحیقِ ،

ازلی، و زندگی آینده ابدی، و خوردنیهای مداوم، و نوشیدن شراب طهور، و آب گوارا،

وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍّ وَ نَهْلٍ ، لَاسَامَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلٍ ، وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ

نوشیدن چند بار و یکبار، که از نوشیدنش خستگی و ملالی دست ندهد و رحمت خدا

وَ بَرَکَاتُهُ وَ تَحِیَّاتُهُ عَلَیْکُمْ ، حَتّٰی الْعَوْدِ اِلَیْ حَضْرَتِکُمْ ، وَ الْفَوْزِ

و برکات و تحیاتش بر شما، تا باز گشتم به محضر شما، و رستگاری

فِی کَرَّتِکُمْ ، وَ الْحَشْرِ فِی زُمَرَتِکُمْ ، وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ عَلَیْکُمْ ،

در حکومتان، و محشور شدن در زمره شما، و رحمت خدا و برکات

وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِیَّاتُهُ ؛ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعَمَ الْوَكِیْلِ .

و درودها و تحیاتش بر شما، و او ما را بس است و نیکو و کیلی است.

هشتم: سیّد ابن طاووس از محمّد بن ذکران که معروف به

اعمال ماه رجب

سجّاد است، چه آنقدر سجده کرد و در حال سجده گریست که نایبنا شد روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم این ماه ماه رجب است مرا در این ماه دعایی تعلیم کن که حق تعالی مرا به آن سود بخشد، حضرت فرمود: بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و در هر روز از رجب در صبح و شام پس از نمازهای روز و شب بگو: یا مَنْ

ای آن

أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي

که هر خیری را از او امید دارم، و از خشمش در هر شری ایمنی جویم، ای آن که در

الكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ

برابر عبادت اندک مزد بسیار عطا می کند، ای آن که به هر که از او بخواهد می بخشد، ای آن که به هر که از

لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ، تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي

او نخواهد و او را نشناسد نیز می بخشد، عطایش از روی مهربانی و رحمت است، با درخواستم

إِيَّاكَ، جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنِّي

از تو همه خیر دنیا و خیر آخرت را به من عنایت کن، و با

بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ، جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ

درخواستم از تو همه شر دنیا و شر آخرت را بازگردان، زیرا آنچه را

مَا أَعْطَيْتَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ. راوی گفت: حضرت

تو عطا کردی کاستی ندارد، و از احسانت بر من بیفزای ای کریم.

محاسن (موهای صورت) شریف خود را در پنجه چپ گرفت و این دعا را با حالت درماندگی و زاری همراه حرکت دادن انگشت اشاره دست راست خواند، و پس از

این گفت:

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا النِّعَمَاءِ وَالْجُودِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ،

ای دارای بزرگی و بزرگواری، ای دارای بخشش و جود، ای دارای عطا و کرم،

حَرَّمَ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ. نهم: از پیامبر روایت شده: هر که در ماه

محاسنم را بر آتش دوزخ حرام کن.

رجب صد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

آمرزش می‌خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست، اوست یگانه، برایش شریکی نمی‌باشد، و به سوی او باز می‌گردم.

و آن را با صدقه به انجام رساند، حق تعالی پایان کارش را ختم به رحمت و آمرزش کند، و هر که چهارصد مرتبه بگوید، ثواب شهادت صد شهید را برای او بنویسد.

دهم: و نیز از آن حضرت روایت شده: هر که در ماه رجب هزار مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

معبودی جز خدا نیست،

خدای عزّتمند پرشکوه صد هزار کار نیک برای او ثبت کند، و برایش صد شهر در بهشت بنا کند.

یازدهم: روایت شده، هر که در ماه رجب به هنگام صبح، هفتاد مرتبه، و در زمان پسین (شامگاه) هم هفتاد مرتبه بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ؛ و چون به پایان رساند، دستها

از خدا آمرزش می‌طلبم و به او باز می‌گردم

را بلند کند و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَتُبْ عَلَيَّ؛ پس اگر در ماه رجب از دنیا برود،

خدایا مرا ببامرز و توبه‌ام را بپذیر

خدا از او خشنود باشد و به برکت ماه رجب، آتش دوزخ با او تماس نگیرد.

دوازدهم: در همه این ماه هزار مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللهَ ذَا

از خدای دارای

الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ، مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوْبِ وَالْاِثَامِ؛ تا خدای مهربان

بزرگی و بزرگواری، از همه گناهان و گنهکاریها، آمرزش می‌جویم.

او را ببامرزد.

سیزدهم: سید ابن طاووس در کتاب «اقبال» از حضرت

رسول ﷺ برای خواندن سوره «قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ» در ماه رجب

ده هزار مرتبه، یا هزار مرتبه، یا صد مرتبه فضیلت بسیار نقل

کرده، و نیز روایت کرده: هر که در روز جمعه ماه رجب

صد مرتبه سوره توحید را بخواند، در قیامت برایش نوری

پدید می‌آید که او را به بهشت راهنمایی کند.

چهاردهم: سید روایت کرده: هر که در ماه رجب یک روز

روزه بدارد، و چهار رکعت نماز بگزارد به این ترتیب که

در رکعت اوّل صد مرتبه «آیة الکرسی» بخواند و در رکعت

دوّم دویست مرتبه سوره توحید، نمی‌میرد تا مقامش را خود

در بهشت ببیند، یا دیگری برای او ببیند.

اعمال ماه رجب

پانزدهم: و نیز سید از پیامبر روایت کرده: هر که در روز جمعه ماه رجب بین نماز ظهر و عصر چهار رکعت نماز بخواند به این صورت که در هر رکعت یکبار سوره «حمد» و هفت بار «آیة الكرسی» و پنج مرتبه «سوره توحید» سپس ده بار بگوید: **اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ؛**

آمرزش می‌خواهم از خدایی که معبودی جز او نیست و از او درخواست توبه دارم.

حق تعالی برای او از روزی که این نماز را خوانده تا روزی که از دنیا برود برای هر روز هزار کار نیک بنویسد، و در عوض هر آیه‌ای که خوانده است شهری در بهشت از یاقوت سرخ، و به جای هر حرف قصری در بهشت از گوهر سپید عطا کند، و برای او زنان زیباروی بهشتی را به همسری او درآورد و از او خشنود گردد بی‌آنکه برایش خشمی به دنبال داشته باشد، و در زمره عبادت‌کنندگان به شمار آید، و سرانجام او را به سعادت و آمرزش پایان دهد... تا آخر حدیث.

شانزدهم: سه روز از این ماه را که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد، زیرا روایت شده: هر که در یکی از ماههای حرام این سه روز را روزه بدارد، حق تعالی برای او

اعمال ماه رجب

ثواب نهصد سال عبادت را می نویسد.

هفدهم: در تمام ماه رجب شصت رکعت نماز بخواند در هر شب دو رکعت به این ترتیب که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و یک مرتبه سوره توحید بخواند ، و چون سلام دهد دستها را بلند کرده و بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی شریک است، فرمانروایی و سپاس

الْحَمْدُ؛ يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ؛ بِيَدِهِ الْخَيْرُ؛ وَهُوَ

مخصوص اوست زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که هرگز نمی میرد، خیر تنها به دست اوست،

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،

و او بر هر کاری توانا است، و بازگشت همه به سوی اوست، و جنبش و نیرویی نیست جز به عنایت او، خدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَآلِهِ؛

برتر و بزرگ، خدایا! بر محمد پیامبر درس ناخوانده و خاندانش درود فرست.

سپس دستها را به صورت خویش بمالد ، از پیامبر روایت شده: هر که این عمل را بجا آورد ، خدا دعایش را اجابت کند، و پاداش شصت حج و شصت عمره را به او عطا فرماید.

هجدهم: از پیامبر ﷺ روایت شده: هر که در یک شب از ماه رجب ، در دو رکعت نماز صد مرتبه سوره توحید بخواند مانند کسی است که در راه خدا صد سال روزه

اعمال ماه رجب

گرفته و حق تعالی برای این عمل صد قصر در بهشت به او مرحمت فرماید، هر قصری در جوار پیامبری از پیامبران علیهم السلام.
نوزدهم: و نیز از آن حضرت روایت شده: هر که در یک شب از شبهای رجب ده رکعت نماز به جای آورد به این ترتیب که در هر رکعت سوره «حمد» و یک بار «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و سه بار سوره توحید را بخواند حق تعالی هر گناهی که پیش از آن مرتکب شده بپامرزد. تا آخر حدیث.

بیستم: علامه مجلسی در کتاب «زاد المعاد» فرموده: از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در هر شب و هر روز ماههای رجب، شعبان و رمضان، هر یک از «حمد» و «آیة الكرسی» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را سه مرتبه قرائت کند و سه مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ ، وَاللهُ أَكْبَرُ ،

منزه است خدا و سپاس خدای را و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر از هر چیز است

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ؛ و سه مرتبه بگوید:

و جنبش و نیرویی جز به خدا نیست، خدای برتر و بزرگ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ؛ و سه مرتبه : اَللّٰهُمَّ

خدا یا درود فرست بر محمد و خاندانش بار خدایا

اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ؛ و چهارصد مرتبه: اَسْتَغْفِرُ اللهَ

از خدا آمرزش

مردان و زنان مؤمن را ببخش و بیامرزد

مردان

وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

می جویم و به سوی او می پویم

خدای تعالی گناهانش را بیامرزد ، هر چند به عدد قطره های باران و برگ درختان و کف روی آب دریاها باشد ، تا آخر حدیث. و نیز علامه مجلسی فرموده که در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (معبودی جز خدا نیست) وارد شده. بدان که اولین شب جمعه ماه رجب را «ليلة الرِّغَاب» (یعنی شب دلدادگان) می گویند و برای آن عملی با فضیلت بسیار از حضرت رسول ﷺ وارد شده که آن را سید در کتاب «اقبال» و علامه حلی در «اجازة بنی زهره» نقل کرده اند ، بعضی از فضیلت آن اینکه به سبب انجام آن گناهان بسیار آمرزیده می شود ، و نیز نمازی در آن وارد شده که هر که آن را به جای آورد هنگام شب اول قبرش حق تعالی ثواب آن را به نیکوترین صورت و با روی گشاده و درخشان و زبانی گویا به سوی او می فرستد ، پس به او می گوید: ای حبیب من تو را بشارت باد که از هر شدت و سختی نجات یافتی ، بنده می گوید تو کیستی؟ به

اعمال ماه رجب

خدا سو کند من چهره‌ای زیباتر از چهره تو ندیدم ، و سخنی شیرین تر از سخن تو نشنیدم، و بویی بهتر از بوی تو نبویدم!! پاسخ میدهد: من ثواب آن نمازم که در فلان شب ، از فلان ماه ، از فلان سال به جای آوردی امشب نزد تو آمدم تا حَقّت را ادا کنم ، و مونس تنهایی تو باشم ، و هراس را از تو برگیرم و هنگامی که در صور (شیپور قیامت) دمیده شود، در عرصه قیامت سایه‌ای بر سرت خواهم افکند ، پس خوشحال باش که خیر هرگز از تو جدا نخواهد شد. کیفیت این نماز چنین است:

اولین پنجشنبه ماه رجب را روزه می‌داری ، چون شب جمعه داخل شود ، ما بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز بجا می‌آوری ، هر دو رکعت با یک سلام به این ترتیب که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه «سوره قدر» و دوازده مرتبه «سوره توحید» می‌خوانی و هنگامی که از نماز فارغ شدی هفتاد مرتبه می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ ، النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَ عَلٰی اٰلِهٖ (وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ).

و خاندانش درود فرست

پیامبر درس ناخوانده

بر محمد

خدا یا!

سپس به سجده می‌روی و هفتاد مرتبه می‌گویی: سُبُّوحٌ

پاک و منزّه است